

عمران و آبادی زمین در روشنی قرآن کریم: تأویل نظریه جامع عمران قرآنی و کاربردهای تمدنی آن

پوهنمل دکتور محمد طاهر قاسمی^۱

DOI: 10.64104/V11.Issue19.No16.Spring.2026

چکیده

عمران و آبادانی زمین از مفاهیم بنیادین قرآن کریم به شمار می‌رود که با رسالت انسان در مقام خلیفه الهی پیوندی عمیق دارد. با وجود اهمیت این مفهوم، بخش قابل توجهی از تحقیقات معاصر آن را در قالب موضوعات پراکنده‌ای چون توسعه اقتصادی، احیای اراضی، حفاظت از محیط زیست یا تمدن‌سازی مورد بررسی قرار داده‌اند و کمتر به تبیین یک چارچوب نظری جامع برای آن پرداخته‌اند. این تحقیق با هدف تبیین مفهوم آبادی زمین در پرتو آموزه‌های قرآن کریم و استخراج مؤلفه‌های نظریه عمران قرآنی انجام شده است. این تحقیق با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی و با بهره‌گیری از آیات قرآن کریم، احادیث نبوی و دیدگاه‌های اندیشمندان اسلامی به بررسی مبانی، اصول، ابعاد و کاربردهای عمران پرداخته است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که عمران در قرآن کریم مفهومی چندبعدی و تمدنی است که بر مبانی توحید، خلافت، امانت و تسخیر استوار بوده و از طریق اصولی همچون عدالت، اصلاح، علم، کار، اعتدال و مسئولیت‌پذیری تحقق می‌یابد. همچنین یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که عمران قرآنی تنها به توسعه مادی محدود نمی‌شود، بلکه رشد معنوی، عدالت اجتماعی، حفاظت از محیط زیست و پیشرفت تمدنی را نیز در بر می‌گیرد. تحقیق حاضر در نهایت با ارائه «نظریه جامع عمران قرآنی» و معرفی «الگوی توازن عمران قرآنی» نشان می‌دهد که آموزه‌های قرآن کریم ظرفیت ارائه الگویی متوازن برای توسعه پایدار و تمدن‌سازی معاصر را دارا هستند.

واژگان کلیدی: عمران، آبادی زمین، قرآن کریم، خلافت انسان، تمدن اسلامی.

^۱. عضو کادر علمی رشته تعلیمات اسلامی پوهنځی شرعیات پوهنتون سلام. +93 79 913 1299. mohammadtaherqasemi@gmail.com

مقدمه

الحمد لله رب العالمین، الذي خلق الأرض وما فيها، وسخر للإنسان مواردها وخيراتها، وجعله خليفة في أرضه ليعمرها بالحق والعدل والإصلاح، ونشهد أن لا إله إلا الله وحده لا شريك له، خالق السماوات والأرض ومدير شؤون الخلق أجمعين، ونشهد أن سيدنا ونبينا محمدا عبده ورسوله، المبعوث رحمة للعالمين، والداعي إلى العمل والإصلاح وإحياء الأرض ونفع الناس أجمعين، صلى الله عليه وعلى آله وأصحابه والتابعين، ومن سار على هديه إلى يوم الدين، وسلم تسليما كثيرا.

بیان مسئله

آبادانی زمین و بهره‌برداری مسئولانه از منابع طبیعی از بنیادی‌ترین رسالت‌های انسان و از مهم‌ترین شاخص‌های پیشرفت جوامع است. با وجود پیشرفت‌های چشمگیر اقتصادی و تکنولوژی، جهان معاصر همچنان با بحران‌هایی چون نابرابری اقتصادی، تخریب محیط زیست، کاهش منابع طبیعی، تغییرات اقلیمی و افول ارزش‌های اخلاقی روبه‌رو است؛ چالش‌هایی که ناکارآمدی بسیاری از الگوهای رایج توسعه را در ایجاد توازن میان رشد اقتصادی، عدالت اجتماعی و پایداری محیط زیستی آشکار ساخته است.

قرآن کریم با معرفی انسان به عنوان خلیفه الهی، مفهوم «عمران» را به منزله رسالتی الهی برای آبادانی، اصلاح و بهره‌برداری مسئولانه از زمین مطرح می‌کند. در این نگاه، عمران تنها به توسعه مادی محدود نیست، بلکه عدالت، اعتدال، کار، مسئولیت‌پذیری، حفظ محیط زیست و صیانت از توازن نظام آفرینش را نیز در بر می‌گیرد و بدین‌سان الگویی جامع برای سامان‌دهی رابطه انسان، طبیعت و جامعه ارائه می‌دهد. با وجود اهمیت این مفهوم، اغلب تحقیقات موجود به ابعاد پراکنده‌ای مانند احیای اراضی موات، احکام فقهی، محیط زیست یا مطالعات تفسیری پرداخته‌اند و کمتر به تبیین یک نظریه جامع از عمران قرآنی توجه کرده‌اند؛ از این‌رو، خلأ تحقیقی در بازسازی چارچوبی منسجم برای تبیین مبانی، اصول، ابعاد و کارکردهای عمران همچنان محسوس است.

بر این اساس، تحقیق حاضر با تحلیل نظام‌مند آیات قرآن کریم، احادیث نبوی و آرای اندیشمندان اسلامی، درصدد بازسازی «نظریه جامع عمران قرآنی» و تبیین مبانی، اصول و مؤلفه‌های آن است و می‌کوشد ظرفیت این نظریه را در بازاندیشی گفتمان توسعه، توسعه پایدار و تمدن‌سازی معاصر نشان دهد.

اهمیت و ضرورت تحقیق

آبادی زمین و عمران از مفاهیم بنیادین قرآن کریم است که با خلافت الهی انسان، بهره‌برداری مسئولانه از منابع طبیعی و تحقق مصالح فردی و اجتماعی پیوندی ناگسستنی دارد. قرآن کریم عمران را بخشی از مأموریت انسان در زمین دانسته و در کنار دعوت به اصلاح و آبادانی، از فساد و تخریب نهی کرده است؛ از این‌رو، عمران در نگرش قرآنی صرفاً فعالیتی عمرانی یا اقتصادی نیست، بلکه یکی از جلوه‌های تحقق مقاصد شریعت و رسالت تمدنی انسان به شمار می‌رود.

اهمیت این موضوع در پرتو چالش‌های معاصر، از جمله بحران‌های محیط زیستی، تغییرات اقلیمی، کاهش منابع طبیعی، فقر، نابرابری و افول ارزش‌های اخلاقی، دوچندان شده است. تجربه الگوهای رایج توسعه نیز نشان می‌دهد که رشد اقتصادی، بدون توازن با عدالت، اخلاق و حفاظت از محیط زیست، توان تأمین توسعه پایدار را ندارد. در این میان، آموزه‌های قرآن کریم درباره عمران می‌تواند چارچوبی متوازن برای توسعه و تمدن‌سازی ارائه کند.

با وجود این، بیشتر تحقیقات پیشین، عمران را به صورت بخشی و در بخش‌هایی مانند احیای اراضی، احکام فقهی، محیط زیست یا مطالعات تفسیری بررسی کرده‌اند و کمتر به بازسازی یک نظریه جامع قرآنی پرداخته‌اند. از این‌رو، تحقیق حاضر با تبیین «نظریه جامع عمران قرآنی»، می‌کوشد چارچوبی منسجم برای فهم رابطه انسان، طبیعت و جامعه و تبیین ظرفیت‌های قرآن کریم در تحقق توسعه متوازن و تمدن‌سازی معاصر ارائه دهد.

پیشینه تحقیق

در زمینه عمران، آبادانی زمین و استخلاف انسانی در قرآن کریم، تحقیقات متعددی انجام شده است که مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از:

تحقیق «مقومات الاستخلاف لعمران الأرض في ضوء القرآن الكريم» (دراسة موضوعية) اثر ا.د. عمار عبد الكريم عبد المجید که مؤلفه‌های استخلاف و نقش آن در آبادانی زمین را بررسی کرده است؛ از این رو، محور اصلی آن استخلاف و نسبت آن با عمران زمین است. تحقیق «عمارة الأرض في ضوء القرآن الكريم» اثر صبري منصور عبد العزيز محمود صیام که مفهوم آبادانی زمین و ابعاد دینی و اجتماعی آن را بر پایه آیات قرآن تبیین نموده است.

تحقیق «الاستخلاف وعلاقته بالعمران في القرآن الكريم» اثر الدكتور/ مريم حسين علي محمد السادة، که رابطه میان استخلاف و عمران را در چارچوب مطالعات موضوعی قرآن کریم بررسی کرده است. مقاله «عمارة الأرض في ضوء بصائر قرآنية» اثر السيد نبأ الحماوي که بر رهنمودهای قرآنی درباره آبادانی زمین و نقش انسان در توسعه جامعه تمرکز دارد.

تحقیق «العمران والعمارة في القرآن الكريم - دراسة موضوعية» اثر سادة، مريم حسين علي محمد، که مفهوم عمران و عمارت را از منظر تفسیری و موضوعی بررسی نموده است. تحقیق «إعمار الأرض في القرآن الكريم» اثر د. فتحي حجازي که ابعاد بلاغی و مفهومی خطاب الهی درباره آبادانی زمین را تبیین کرده است.

با وجود ارزش علمی این تحقیقات، بررسی محتوای آن‌ها نشان می‌دهد که تمرکز آن‌ها عمدتاً بر استخلاف و رابطه آن با عمران، آبادانی زمین، مفهوم عمران و عمارت، رهنمودهای قرآنی یا ابعاد بلاغی و مفهومی إعمار الأرض بوده است. بنابراین، در این مطالعات مؤلفه‌های مختلف عمران بیشتر به صورت جداگانه بررسی شده و تبیین یک چارچوب منسجم شامل مبانی، اصول، ابعاد، کارکردها و ظرفیت‌های تمدنی عمران قرآنی کمتر مورد توجه قرار گرفته است.

این تحقیق در مقایسه با مطالعات پیشین دارای ویژگی‌ها و امتیازات زیر است: مطالعات مربوط به استخلاف، بیشتر بر مسئولیت انسان در آبادانی زمین تمرکز دارند؛ در حالی که این تحقیق علاوه بر استخلاف، مبانی دیگری چون توحید، امانت و تسخیر را نیز در چارچوب عمران قرآنی بررسی می‌کند. مطالعات مربوط به «عمارة الأرض» عمدتاً بر آبادانی زمین و ابعاد دینی و اجتماعی آن تأکید دارند؛ در حالی که این تحقیق عمران را در ابعاد اعتقادی، انسانی، اجتماعی، اقتصادی، زیست‌محیطی و تمدنی بررسی می‌کند.

مطالعاتی که رابطه استخلاف و عمران را بررسی کرده‌اند، بر پیوند این دو مفهوم تمرکز دارند؛ اما تحقیق حاضر این رابطه را در کنار مجموعه‌ای از مبانی و اصول دیگر در یک چارچوب نظری گسترده‌تر قرار می‌دهد.

مطالعات مربوط به مفهوم «العمران والعمارة» بیشتر به تبیین مفهومی و تفسیری پرداخته‌اند؛ در حالی که تحقیق حاضر افزون بر مفهوم‌شناسی، اصولی مانند عدالت، اصلاح، علم، کار، اعتدال و مسئولیت‌پذیری را نیز به عنوان اصول حاکم بر عمران تبیین می‌کند. این تحقیق، برخلاف تمرکز محدود مطالعات پیشین بر یک یا چند جنبه عمران، ظرفیت آن را در توسعه پایدار، حفاظت از محیط زیست، عدالت اقتصادی و تمدن‌سازی نیز بررسی می‌نماید.

تحقیق حاضر با گردآوری این مؤلفه‌ها، «نظریه جامع عمران قرآنی» را به عنوان چارچوبی برای پیوند مبانی، اصول، ابعاد و کارکردهای عمران صورت‌بندی می‌کند.

همچنین «الگوی توازن عمران قرآنی» را بر اساس انسان صالح، بهره‌برداری مسئولانه از طبیعت و عدالت و شکوفایی تمدنی ارائه می‌نماید.

بر این اساس، عمران در این تحقیق صرفاً به معنای آبادانی مادی زمین نیست، بلکه فرآیندی متوازن برای رشد مادی، تعالی معنوی و پیشرفت اجتماعی و تمدنی تبیین می‌شود.

تحقیق حاضر همچنین میان آموزه‌های قرآن کریم، مقاصد شریعت، توسعه پایدار و تمدن‌سازی اسلامی پیوند نظری برقرار می‌کند.

در نهایت، این چارچوب امکان بهره‌گیری از آموزه‌های قرآنی را در مواجهه با چالش‌هایی مانند بحران محیط زیست، نابرابری اجتماعی و توسعه نامتوازن فراهم می‌سازد.

بر این اساس، تمایز اصلی تحقیق حاضر در این است که مؤلفه‌هایی را که در مطالعات پیشین غالباً به صورت مستقل بررسی شده‌اند، در یک چارچوب منسجم نظری گردآوری کرده و از آن برای تبیین توسعه، پایداری و تمدن‌سازی بر اساس آموزه‌های قرآن کریم بهره می‌گیرد.

نواوری تحقیق

نواوری اصلی این تحقیق، بازسازی مفهوم «عمران» در قالب یک نظریه جامع قرآنی است. بررسی محتوای مطالعات پیشین نشان می‌دهد که هر یک بر جنبه‌ای مشخص تمرکز داشته‌اند؛ از جمله استخلاف و نقش آن در عمران زمین، آبادانی و ابعاد دینی و اجتماعی آن، رابطه استخلاف و عمران، رهنمودهای قرآنی آبادانی، مفهوم‌شناسی عمران و عمارت، و ابعاد بلاغی و مفهومی اعمار زمین. در حالی که تحقیق حاضر این مؤلفه‌ها را در چارچوبی نظری و منسجم گردآوری و تلفیق سازی مبانی، اصول، ابعاد، کارکردها و ظرفیت‌های تمدنی عمران پیوند برقرار می‌کند.

نواوری‌های این تحقیق عبارت‌اند از:

۱. **تأسیل نظریه جامع عمران قرآنی** بر اساس مبانی توحید، خلافت، امانت و تسخیر و تفسیر عمران به مثابه مأموریتی الهی، انسانی و تمدنی، نه صرفاً فعالیتی اقتصادی.
۲. **استخراج و نظام‌مند ساختن اصول بنیادین عمران قرآنی** شامل عدالت، اصلاح، علم، کار، مسئولیت‌پذیری و اعتدال و تبیین نقش آن‌ها در تحقق آبادانی و پیشرفت جوامع.
۳. **ارائه «الگوی توازن عمران قرآنی»** بر اساس سه رکن: انسان صالح، بهره‌برداری مسئولانه از طبیعت، و تحقق عدالت و شکوفایی تمدنی.
۴. **تبیین ظرفیت‌های عمران قرآنی در حوزه‌های معاصر** از جمله توسعه، توسعه پایدار، عدالت اجتماعی، حفاظت از محیط زیست و تمدن‌سازی، با برقراری پیوند میان آموزه‌های قرآن کریم، مقاصد شریعت و نیازهای توسعه‌ای و تمدنی.
۵. **بر این اساس، تحقیق حاضر از توصیف یا بررسی منفرد مؤلفه‌های عمران فراتر رفته و با ترکیب و نظام‌مند ساختن مبانی، اصول، ابعاد و کارکردهای آن، چارچوبی نظری برای تبیین عمران قرآنی و ظرفیت‌های آن در توسعه پایدار و تمدن‌سازی ارائه می‌کند.**

اهداف تحقیق

- این تحقیق اهداف زیر را دنبال می‌کند:

هدف اصلی

- تبیین مفهوم آبادی زمین و استخراج نظریه عمران قرآنی بر اساس آموزه‌های قرآن کریم.

اهداف فرعی

۱. تبیین مفهوم و جایگاه عمران در قرآن کریم.
۲. شناسایی مبانی نظری عمران قرآنی.
۳. استخراج اصول حاکم بر عمران در آموزه‌های قرآنی.
۴. بررسی ابعاد مختلف عمران در بخش‌های انسانی، اجتماعی، اقتصادی و زیست‌محیطی.
۵. تحلیل نقش عمران قرآنی در توسعه پایدار و تمدن‌سازی.
۶. ارائه الگوی مفهومی توازن عمران قرآنی.
۷. تبیین ظرفیت‌های نظریه عمران قرآنی در مواجهه با چالش‌های توسعه معاصر.

سؤالات تحقیق

سؤال اصلی

- نظریه عمران قرآنی در تبیین مفهوم آبادی زمین بر چه مبانی، اصول و مؤلفه‌هایی استوار است؟

سؤالات فرعی

۱. مفهوم عمران در قرآن کریم چه معنا و گستره‌ای دارد؟
۲. مهم‌ترین مبانی نظری عمران در قرآن کریم کدام‌اند؟
۳. چه اصولی بر فرآیند عمران و آبادانی زمین در قرآن حاکم است؟
۴. عمران قرآنی دارای چه ابعاد و کارکردهایی است؟
۵. نظریه عمران قرآنی چه نسبتی با توسعه پایدار و پیشرفت تمدنی دارد؟
۶. چگونه می‌توان یک الگوی مفهومی برای تبیین عمران قرآنی ارائه نمود؟

روش تحقیق

این تحقیق از نظر هدف، بنیادی و از نظر روش، توصیفی - تحلیلی است. گردآوری معلومات به شیوه کتابخانه‌ای و با استفاده از منابع تفسیری، حدیثی و مطالعات علمی مرتبط انجام شده است. در مرحله تحلیل، آیات مرتبط با عمران، خلافت، احیای زمین، اصلاح، عدالت، استفاده و بهره‌برداری از منابع طبیعی و منع فساد به صورت موضوعی بررسی و تحلیل گردیده است. سپس با استفاده از روش استنباط مفهومی و تحلیل محتوا، مبانی، اصول، ابعاد تطبیقات و کاربردهای عمران استخراج و در قالب یک چارچوب نظری منسجم ارائه شده است.

مبحث اول: مفهوم عمران و عمارت در قرآن کریم

مفهوم عمران و عمارت از جمله مفاهیم بنیادین در اندیشه اسلامی است که ارتباط تنگاتنگی با رسالت انسان در زمین، توسعه جوامع انسانی و شکل‌گیری تمدن‌ها دارد. هرچند این مفهوم در ادبیات معاصر غالباً به توسعه فیزیکی، شهرسازی و آبادانی اقتصادی محدود می‌شود، اما بررسی منابع اسلامی نشان می‌دهد که عمران و عمارت در قرآن کریم دارای ابعاد گسترده‌تری بوده و بخش‌های اعتقادی، اخلاقی، اجتماعی، اقتصادی و تمدنی را نیز در بر می‌گیرد. از این‌رو، دستیابی به فهمی دقیق از عمران قرآنی مستلزم بررسی مفهوم لغوی، اصطلاحی و قرآنی آن است.

اول: مفهوم لغوی عمران و عمارت

واژه‌های «عمران» و «عمارت» از ریشه سه‌حرفی «ع م ر» گرفته شده‌اند. بررسی منابع معتبر لغوی نشان می‌دهد که این ریشه در اصل با مفاهیمی چون حیات، بقا، آبادانی، سکونت، اصلاح و رونق پیوند دارد و در برابر ویرانی و فساد قرار می‌گیرد. خلیل بن احمد فراهیدی، ابن دُرید، جوهری، ابن فارس و ابن منظور، با تعبیر گوناگون، معانی این ریشه را در محورهای حیات و استمرار، آبادانی و سکونت، اصلاح و رونق زمین و اجتماع انسانی بیان کرده‌اند. در برخی استعمالات نیز مفهوم عمران با عبادت و آبادانی معنوی ارتباط یافته است. از این‌رو، «عمران» در کاربرد لغوی خود مفهومی فراتر از ساخت‌وساز داشته و هر آنچه به احیا، آبادانی، اصلاح، سکونت و استمرار حیات انسانی و اجتماعی کمک کند، در گستره معنایی آن قرار می‌گیرد^(۱).

^۱ - نگاه: الفراهیدی، الخلیل بن أحمد بن عمرو التمیمی البصري، أبو عبد الرحمن. (د.ت.). العین (تحقیق: مهدی المخزومی، وایبراهیم السامرائی)، (ج ۲، ص ۱۳۷ - ۱۳۸). دار ومکتبة الهلال. ماده عمر.

ابن درید، أبو بکر محمد بن الحسن الأزدي. (۱۹۹۱). الاشتقاق (تحقیق وشرح: عبد السلام محمد هارون، ج ۱، ص ۱۴). بیروت: دار الجیل.
الجوهري، إسماعیل بن حماد. الصحاح تاج اللغة وصحاح العربية، ج ۲، ص ۷۵۷.

ابن فارس، أحمد بن فارس بن زكريا. (۱۹۷۲). معجم مقاییس اللغة (تحقیق: عبد السلام محمد هارون، ط ۲، ج ۴، ص ۱۴۰-۱۴۱). مصر: شركة مكتبة ومطبعة مصطفى البابي الحلبي وأولاده، مادة «عمر».

بر این اساس، معنای لغوی عمران را می‌توان در سه محور اساسی خلاصه کرد:

حیات و بقا: استمرار زندگی و دوام حضور انسان.

آبادانی و اصلاح: آباد ساختن زمین، سکونت، رونق و بهره‌برداری صحیح از آن.

پویایی اجتماعی: شکل‌گیری اجتماع، استقرار انسان و فراهم‌سازی زمینه‌های زندگی و رشد جامعه.

بنابراین، «عمران» و «عمارت» در معنای لغوی، تنها به ساخت بنا و آبادانی ظاهری محدود نیست، بلکه مفهومی گسترده دارد که حیات، آبادانی، اصلاح، سکونت و پویایی فردی و اجتماعی را دربرمی‌گیرد؛ معنایی که زمینه مناسبی برای تبیین مفهوم عمران در قرآن کریم فراهم می‌سازد.

دوم: معنای اصطلاحی عمران و عمارت

کلمه «عمران / عمارت» از مفاهیم کلیدی در ادبیات اسلامی و علوم انسانی است که دلالت آن از ساخت‌وساز فراتر رفته و ابعاد اجتماعی، اقتصادی و تمدنی را نیز در بر می‌گیرد. بررسی تعاریف اصطلاحی نشان می‌دهد که این مفهوم دارای سطوح معنایی متعددی است. بر اساس مبانی لغوی، عمران چنین تعریف شده است:

«العمران هو نقيض الخراب»^(۱)، وما يحفظ البناء، وما يعمر به المكان^(۲).

عمران عبارت است از ضد خرابی، آنچه بنا را حفظ می‌کند و هر چیزی که به وسیله آن مکان آباد می‌شود.

این تعریف نشان می‌دهد که عمران تنها ایجاد بنا نیست، بلکه حفظ، نگهداری و استمرار آبادانی در برابر ویرانی را نیز شامل می‌شود. در المعجم الوسيط نیز آمده است:

«البنیان وما يعمر به البلد، ويحسن حاله بواسطة الفلاحة، والصناعة، والتجارة، وكثرة الأهالي، ونجاح الأعمال، والتمدن، والعدل أساس العمران، وعلم العمران عند ابن خلدون علم الاجتماع»^(۳)

عمران و عمارت عبارت است از ساخت‌وساز و هر آنچه به وسیله آن شهر آباد و وضعیت آن از طریق زراعت، صنعت، تجارت، افزایش جمعیت، رونق فعالیت‌ها و تمدن بهبود می‌یابد؛ عدالت نیز اساس عمران است و علم عمران نزد ابن‌خلدون همان علم اجتماع است. این تعریف، عمران را از یک مفهوم صرفاً عمرانی به نظامی اجتماعی، اقتصادی و تمدنی ارتقا می‌دهد که عدالت، رکن اساسی پایداری آن به شمار می‌رود.

علامه ابن خلدون نیز منشأ عمران را اجتماع انسانی دانسته و می‌گوید: «وما يندرج تحته من أحوال وملك ودول وعلوم وصنائع»^(۴) یعنی عمران، بستر شکل‌گیری احوال اجتماعی، دولت‌ها، علوم و صنایع است. از این رو، عمران صرفاً یک پدیده فیزیکی نیست، بلکه واقعیتی اجتماعی و تمدنی است که با حیات جمعی انسان‌ها معنا می‌یابد. برخی اندیشمندان معاصر نیز عمران را چنین تعریف کرده‌اند:

«والعمران: حدث اجتماعي حضاري تلبية للاحتياج الإنساني بمعنى أن يرتبط هذا الحدث بالإيقاع الزمني لحياة المجتمع وأفراده»^(۵) عمران پدیده‌ای اجتماعی - تمدنی است که در پاسخ به نیازهای انسان شکل می‌گیرد و با روند زمانی زندگی جامعه و افراد آن پیوند دارد. این تعریف، عمران را فرآیندی پویا و تاریخی می‌داند که متناسب با تحول نیازهای انسان و جامعه تکامل می‌یابد.

ابن منظور، محمد بن مكرم بن علي، أبو الفضل، جمال الدين الأنصاري الرويفعي الإفريقي. (۱۴۱۴هـ). لسان العرب (ط ۳، ج ۴، ص ۶۰۱-۶۱۰). بيروت: دار صادر، مادة «عمر».

۱- الأصفهاني، الراغب. (۱۹۹۲). المفردات في غريب القرآن (صفوان عدنان داوودي، محقق: ط ۱). دار القلم. ص ۵۸۶. با تصرف اندک.

۲- الكفوي، أيوب بن موسى. (۱۹۹۸). الكليات: معجم في المصطلحات والفروق اللغوية (تحقيق عدنان درويش ومحمد المصري). (ص ۶۴۳). مؤسسة الرسالة.

۳- مجمع اللغة العربية. (۱۹۷۲). المعجم الوسيط (ط ۲، ج ۲، ص ۶۲۷). دار الدعوة. مادة «عمر».

۴- ابن خلدون، عبدالرحمن بن محمد. (۱۹۸۱). ديوان المبتدأ والخبر في تاريخ العرب والبربر ومن عاصرهم من ذوي الشأن الأكبر (تحقيق: خليل شحادة؛ مراجعة: سهيل زكار، چاپ اول)، (ج ۱ ص ۲۷۳ و ما بعدهش). بيروت: دار الفكر.

۵- والي، طارق. (۱۹۹۸). البيان والبيان في العمارة والعمران (چاپ اول). (ص ۱۲). دار الكتب العلمية.

بر اساس مجموع این تعاریف، مفهوم اصطلاحی «عمران» از معنای «ضد خرابی» فراتر رفته و به نظامی چندبعدی تبدیل شده است که حفظ و صیانت، توسعه اجتماعی و اقتصادی، شکل‌گیری تمدن و پویایی تاریخی را در بر می‌گیرد. بر این اساس، می‌توان تعریف جامع زیر را برای عمران ارائه کرد:

«العمران هو منظومة حضارية شاملة تتجلى فيها حركة الإنسان في إعمار الأرض وإحيائها، عبر تحويلها من مظاهر الجمود والخراب إلى فضاء للحياة والانتفاع والاستقرار، ضمن تفاعل منظم بين الإنسان والبيئة يقوم على الاستخلاف في الأرض، ويستند إلى توازن اجتماعي واقتصادي وقيمي يضمن دوام الصلاح والإصلاح عبر الزمن.»

عمران نظامی تمدنی و جامع است که در آن، حرکت انسان در آبادسازی و احیای زمین از طریق تبدیل آن از رکود و ویرانی به عرصه زندگی، بهره‌برداری و استقرار تحقق می‌یابد. این فرایند بر اساس استخلاف انسان در زمین و تعامل متوازن میان انسان، محیط، ارزش‌های اجتماعی و اقتصادی استوار بوده و استمرار صلاح و اصلاح را در بستر زمان تضمین می‌کند. این تعریف، عمران را از یک مفهوم صرفاً لغوی به چارچوبی نظری ارتقا می‌دهد که در آن، انسان محور آبادانی زمین و عمران، فرایندی مستمر، هدفمند و مسئولانه برای تحقق حیات متوازن انسانی و تمدنی است.

عمران و عمارت در اصطلاح قرآنی

قرآن کریم مفهوم عمران را در چارچوب رسالت انسان در زمین و مسئولیت او در برابر خداوند مطرح کرده است. از این رو، اصطلاح قرآنی عمران از معنای لغوی و اصطلاحی گسترده‌تر بوده و علاوه بر آبادانی مادی، آبادانی معنوی و اخلاقی را نیز در بر می‌گیرد.

مشتقات ماده «ع م ر» در قرآن کریم و دلالت‌های آن

ماده «ع م ر» از ریشه‌های مهم قرآنی است که در معانی حیات، آبادانی، بقا، اصلاح و سکونت به کار رفته و مشتقات آن در آیات مختلف، گستره معنایی عمران را آشکار می‌سازد. بررسی این مشتقات نشان می‌دهد که قرآن کریم مفهوم عمران را به ساخت‌وساز و آبادانی مادی محدود نکرده، بلکه آن را در بخش‌های دینی، انسانی و تمدنی نیز به کار برده است. مهم‌ترین مشتقات این ریشه عبارت‌اند از: يَعْمُرُ، عِمَارَةٌ، الْمَعْمُور، اسْتَعْمَرَكُمْ، مَعْمَرٌ، الْعُمَرَةُ، نُعَمِّرُكُمْ، نُعْمِرُهُ، لَعَمْرُكَ.

تحلیل کاربردهای قرآنی این مشتقات نشان می‌دهد که مفهوم عمران در سه بخش اساسی قابل دسته‌بندی است:

عمران مادی: آبادسازی زمین، بهره‌برداری مسئولانه از منابع و توسعه زندگی؛ مانند: ﴿وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا﴾.

عمران دینی: آبادانی مراکز عبادت و پاسداری از ارزش‌های ایمانی؛ مانند: ﴿إِنَّمَا يَعْمُرُ مَسَاجِدَ اللَّهِ﴾.

عمران انسانی: حیات، فرصت عمر و مسئولیت انسان در بهره‌گیری از آن؛ مانند: ﴿وَمَا يَعْمُرُ مِنْ مَعْمَرٍ﴾ و ﴿أَوَلَمْ نَعْمَرْكُمْ﴾.

این کاربردها نشان می‌دهد که عمران در منطق قرآن مفهومی جامع است که ابعاد مادی، معنوی و انسانی را در کنار یکدیگر قرار می‌دهد. از این رو، عمران قرآنی بر مجموعه‌ای از مؤلفه‌ها همچون آبادسازی زمین، توسعه اقتصادی و اجتماعی، عدالت، اصلاح، حفظ ارزش‌های اخلاقی، آبادانی مراکز دینی و فرهنگی، رشد علمی و تقویت ایمان استوار است.

بر این اساس، عمران در قرآن کریم صرفاً توسعه فیزیکی نیست، بلکه فرایندی جامع برای ساختن انسان، اصلاح جامعه و تحقق تمدنی متوازن بر اساس ایمان، عدالت و اخلاق به شمار می‌رود؛ تمدنی که غایت آن تحقق استخلاف الهی و تأمین سعادت دنیا و آخرت است.

رابطه عمران با مفاهیم قرآنی مرتبط

الف) عمران و استخلاف

استخلاف، جایگاه و مسئولیت الهی انسان را در زمین تبیین می‌کند: ﴿وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً﴾^(۱)، و عمران مهم‌ترین جلوه عملی این مسئولیت است؛ چنان‌که خداوند می‌فرماید: ﴿هُوَ أَنْشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا﴾^(۲). بر این اساس، استخلاف

^۱ - سوره البقرة: ۳۰.

^۲ - سوره هود: ۶۱.

مبنای نظری مأموریت انسان و عمران تجلی تمدنی آن است؛ ازاین رو، خلافت بدون عمران تحقق کامل نمی یابد و عمران نیز بدون مبنای استخلاف، از پشتوانه ارزشی و الهی برخوردار نخواهد بود.

ب) عمران و استعمار

واژه «استعمار» در کاربرد قرآنی، برخلاف معنای سیاسی رایج، به معنای مأمور ساختن انسان برای آبادانی زمین است: ﴿وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا﴾^(۱). مفسرین کرام^(۲) این تعبیر را به «طلب عمارت» تفسیر کرده اند؛ بنابراین، استعمار بیانگر تکلیف الهی و عمران نتیجه عملی آن است. ازاین رو، آبادانی زمین در اندیشه قرآنی، تحقق فرمان الهی و یکی از اهداف اساسی حضور انسان در زمین به شمار می رود.

ج) عمران و اصلاح

عمران و اصلاح رابطه ای تکمیلی دارند؛ عمران بستر تحقق اصلاح و اصلاح غایت و جهت دهنده عمران است. قرآن از یک سو انسان را به آبادانی زمین فرا می خواند: ﴿وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا﴾^(۳)، و از سوی دیگر از فساد نهی می کند: ﴿وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ لَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ قَالُوا إِنَّمَا نَحْنُ مُصْلِحُونَ﴾^(۴). ازاین رو، عمران قرآنی زمانی ارزشمند است که در خدمت عدالت، صلاح و رفع فساد قرار گیرد؛ زیرا آبادانی فاقد اصلاح، با اهداف قرآن سازگار نیست.

د) عمران و فساد

عمران و فساد دو مفهوم متقابل در نظام قرآنی اند. عمران بر آبادانی، عدالت و شکوفایی حیات انسانی دلالت دارد، در حالی که فساد نشانه تباهی و برهم خوردن نظم الهی است. قرآن ضمن دعوت به عمران: ﴿وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا﴾^(۵)، از گسترش فساد هشدار می دهد: ﴿ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ﴾^(۶). بنابراین، هر اندازه فساد گسترش یابد، زمینه های عمران تضعیف می شود و هرگاه اصول ایمان، عدالت و اصلاح حاکم گردد، بستر تحقق عمران فراهم خواهد شد.

برآیند مفاهیم یادشده نشان می دهد که عمران در منظومه مفاهیم قرآنی، مفهومی مستقل اما پیوسته با استخلاف، استعمار، اصلاح و... است. استخلاف، مبنای مسئولیت انسان؛ استعمار، تکلیف الهی؛ اصلاح، غایت ارزشی بوده؛ آن چنان که فساد، مهم ترین مانع تحقق عمران به شمار می روند. این پیوند مفهومی، چارچوب نظری عمران قرآنی را برای تحلیل ابعاد تمدنی آن تکمیل می سازد.

مبحث دوم: اصول و مبنای نظری عمران قرآنی

هر نظریه تمدنی بر مجموعه ای از مبانی فکری و اصول بنیادین استوار است که جهت گیری و اهداف آن را تعیین می کند. مفهوم عمران در قرآن کریم نیز از این قاعده مستثنا نیست. عمران از دیدگاه قرآنی یک فعالیت صرفاً اقتصادی یا عمرانی نیست، بلکه بخشی از نظام معرفتی اسلام به شمار می رود که ریشه در جهان بینی توحیدی دارد. از این رو، فهم صحیح عمران قرآنی مستلزم شناخت مبانی نظری آن است.

بررسی آیات قرآن کریم نشان می دهد که نظریه عمران قرآنی بر چهار مبنای اساسی استوار است: توحید، خلافت، امانت و تسخیر. این چهار اصل در کنار یکدیگر چارچوبی منسجم برای تبیین مسئولیت انسان در آبادانی زمین و ساخت تمدن انسانی فراهم می سازند.

^۱ - سوره هود: ۶۱.

^۲ - نگاه: ابوالسعود العمادی، محمد بن محمد بن مصطفی. (بی تا). إرشاد العقل السليم إلى مزايا الكتاب الكريم (ج ۴، ص. ۲۲۱). بیروت: دار إحياء التراث العربي. الشوكاني، محمد بن علی بن محمد. (۱۹۹۴). فتح القدير (چاپ اول)، (ج ۲، ص. ۵۷۶). دمشق - بیروت: دار ابن کثیر، دار الکلم الطیب. آلکوسی، محمود بن عبدالله. (۱۹۹۴). روح المعاني في تفسير القرآن العظيم والسبع المثاني (تحقیق: علی عبدالباری عطیه، چاپ اول)، (ج ۶ ص ۲۸۶). بیروت: دار الکتب العلمیه.

^۳ - سوره هود: ۶۱.

^۴ - سوره البقرة: ۱۱.

^۵ - سوره هود: ۶۱.

^۶ - سوره الروم: ۴۱.

اصل اول: توحید؛ بنیاد معرفتی عمران

توحید، بنیادی‌ترین اصل جهان‌بینی اسلامی و نخستین مبنای نظری عمران در قرآن کریم است. از منظر قرآن، عمران صرفاً فعالیت اقتصادی یا عمرانی نیست، بلکه جلوه‌ای از بندگی خداوند و بخشی از رسالت انسان در زمین به شمار می‌رود؛ از این رو، ارزش و مشروعیت آن در گرو ایمان به ربوبیت، مالکیت و حاکمیت مطلق الهی است.

قرآن کریم خداوند را «رب العالمین» معرفی کرده و تدبیر همه هستی را به او اختصاص می‌دهد: ﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾^(۱) و ﴿أَلَا لَهُ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ﴾^(۲). همچنین مالکیت حقیقی جهان را از آن خدا می‌داند: ﴿لِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ﴾^(۳). بر این اساس، انسان مالک مطلق زمین نیست، بلکه امانت‌دار الهی است و موظف است منابع طبیعی را در مسیر آبادانی و مصالح عمومی به کار گیرد.

از سوی دیگر، قرآن هدف آفرینش انسان را عبودیت معرفی می‌کند: ﴿وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ﴾^(۴)؛ بنابراین، عمران نیز باید در خدمت تحقق بندگی، عدالت و خیر عمومی قرار گیرد، نه صرفاً رشد مادی. افزون بر این، آیه ﴿لَوْ كَانَ فِيهِمَا آلِهَةٌ إِلَّا اللَّهُ لَفَسَدَتَا﴾^(۵) بیانگر آن است که همان‌گونه که وحدت نظام هستی بر اساس توحید استوار است، پایداری هر نظام عمرانی نیز نیازمند وحدت ارزش‌ها و مرجعیت الهی خواهد بود.

سنت نبوی نیز این مبنا را تأیید می‌کند؛ چنان‌که پیامبر اکرم ﷺ فرمود: «حق الله على العباد أن يعبدوه ولا يشركوا به شيئاً»^(۶) و نیز فرمود: «أَمَرْتُ أَنْ أَقَاتِلَ النَّاسَ حَتَّى يَشْهَدُوا أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ»^(۷)، این احادیث نشان می‌دهد که توحید، زیربنای همه ابعاد حیات اسلامی، از جمله نظام اجتماعی و تمدنی است.

بر این اساس، توحید در نظریه عمران قرآنی صرفاً یک اصل اعتقادی نیست، بلکه چارچوب معرفتی و ارزشی عمران را شکل می‌دهد؛ به‌گونه‌ای که انسان موحد، آبادانی زمین را امانتی الهی و مسئولیتی اخلاقی می‌داند و آن را بر اساس عدالت، اعتدال و حفظ مصالح عمومی دنبال می‌کند. از این رو، توحید نقطه آغاز، جهت‌دهنده و ضامن پایداری عمران قرآنی است.

اصل دوم: خلافت؛ مبنای مسئولیت عمرانی انسان

خلافت از بنیادی‌ترین مبانی نظری عمران قرآنی است و جایگاه انسان را به‌عنوان نماینده و امانت‌دار الهی در زمین تبیین می‌کند. از منظر قرآن کریم، انسان صرفاً بهره‌بردار زمین نیست، بلکه مأمور اصلاح، آبادانی و بهره‌گیری مسئولانه از نعمت‌های الهی است؛ از این رو، عمران جلوه عملی تحقق رسالت خلافت در حیات انسانی به شمار می‌رود.

این حقیقت در آیه ﴿إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً﴾^(۸) بیان شده است. مفسرین کرام، از جمله علامه ابن‌کثیر^(۹)، خلافت را مأموریتی مستمر برای همه نسل‌های بشر دانسته‌اند، نه امتیازی اختصاصی برای حضرت آدم علیه‌السلام؛ از این رو، مسئولیت آبادانی و اصلاح زمین در همه اعصار استمرار می‌یابد. همچنین علامه قرطبی این آیه را مبنای ضرورت نظم، رهبری و مدیریت عادلانه دانسته است^(۱۰)؛ زیرا تحقق

۱- سوره الفاتحه: ۲.

۲- سوره الأعراف: ۵۴.

۳- سوره البقرة: ۱۰۷.

۴- سوره الذاریات: ۵۶.

۵- سوره الأنبياء: ۲۲.

۶- متفق علیه: این حدیث را امام بخاری در «صحیح بخاری»، کتاب «الجهاد والسير»، باب «اسم الفرس والحمار»، به شماره (۲۸۵۶)، جلد ۴، صفحه ۲۹، و امام مسلم در «صحیح مسلم»، کتاب «الإيمان»، باب «من لقي الله بالإيمان وهو غير شاك فيه دخل الجنة وحرم على النار»، به شماره (۳۰)، جلد ۱، صفحه ۵۸ روایت کرده‌اند.

۷- متفق علیه: امام بخاری آن را در «صحیح بخاری»، کتاب «الإيمان»، باب «فَإِنْ تَابُوا وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوْا الزَّكَاةَ فَخَلُّوا سَبِيلَهُمْ» [التوبة: ۵]، جلد ۱، صفحه ۱۴، به شماره (۲۵) روایت کرده است. و امام مسلم نیز آن را در «صحیح مسلم»، کتاب «الإيمان»، باب «الأمر بقتال الناس حتى يقولوا لا إله إلا الله»، جلد ۱، صفحه ۵۳، به شماره (۲۰) روایت کرده است.

۸- سوره البقرة: ۳۰.

۹- نگاه: ابن‌کثیر، أبو الفداء إسماعیل بن عمر بن کثیر القرشي الدمشقي. (۱۴۲۰/۱۹۹۹م). تفسیر القرآن العظیم، تحقیق سامی بن محمد السلامة، الطبعة الثانية، الرياض: دار طيبة للنشر والتوزيع، ج ۱، ص ۲۱۶.

۱۰- نگاه: القرطبي، أبو عبد الله محمد بن أحمد الأنصاري. (۱۳۸۴/۱۹۶۴م). الجامع لأحكام القرآن، تحقیق أحمد البردوني وإبراهيم أطفيش، الطبعة الثانية، القاهرة: دار الكتب المصرية، ج ۱، ص ۲۶۴.

بدون نظام اجتماعی کارآمد امکان پذیر نیست.

قرآن کریم در آیات دیگری نیز خلافت را با مسئولیت و آزمون الهی پیوند می دهد ﴿هُوَ الَّذِي جَعَلَكُمْ خَلَائِفَ فِي الْأَرْضِ وَرَفَعَ بَعْضَكُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَاتٍ لِّيَبْلُوَكُمْ فِي مَا آتَاكُمْ﴾^(۱). بر این اساس، امکانات، ثروت و قدرت، امانت‌هایی الهی‌اند که انسان در نحوه بهره‌برداری از آن‌ها مورد آزمون قرار می‌گیرد. از سوی دیگر، آیه ﴿يَا دَاوُودُ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ فَاحْكُم بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ﴾^(۲)، نشان می‌دهد که عدالت از ارکان اساسی خلافت است و توسعه‌ای که بر ظلم و فساد استوار باشد، با منطق عمران قرآنی سازگار نیست. همچنین فرمان الهی: ﴿وَلَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا﴾^(۳) بیانگر آن است که جلوگیری از فساد، لازمه انجام مسئولیت خلافت است.

این معنا در سنت نبوی نیز تأکید شده است؛ چنان‌که پیامبر اکرم ﷺ فرمودند: «إِنَّ الدُّنْيَا حُلُوهٌ خَصِرَةٌ، وَإِنَّ اللَّهَ مُسْتَخْلِفُكُمْ فِيهَا فَيَنْظُرُ كَيْفَ تَعْمَلُونَ»^(۴). یعنی انسان در مقام خلیفه الهی، در برابر نحوه بهره‌برداری از زمین و نعمت‌های آن مسئول و پاسخگو است.

بر این اساس، خلافت در نظریه عمران قرآنی، انسان را موجودی مسئول، امانت‌دار و پاسخگو معرفی می‌کند که مأمور است زمین را بر اساس هدایت الهی، عدالت و اصلاح آباد سازد. از این‌رو، عمران نه صرفاً فعالیتی مادی، بلکه تحقق عملی رسالت خلافت و یکی از ارکان اساسی شکل‌گیری تمدن اسلامی است.

اصل سوم: امانت؛ ضابطه اخلاقی عمران

در منظومه قرآنی، عمران تنها بر توانایی انسان در بهره‌برداری از زمین استوار نیست، بلکه با «امانت» به عنوان مهم‌ترین ضابطه اخلاقی آن سامان می‌یابد. امانت، رابطه انسان با خدا، جامعه، طبیعت و نسل‌های آینده را تنظیم کرده و از تبدیل عمران به استثمار و فساد جلوگیری می‌کند؛ از این‌رو، مبنای اخلاقی عمران قرآنی به شمار می‌رود.

اساس این اصل در آیه امانت بیان شده است: ﴿إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ...﴾^(۵).

این آیه نشان می‌دهد که انسان با پذیرش امانت الهی، مسئولیتی فراگیر را در برابر خداوند و زمین بر عهده گرفته است. علامه طبری امانت را مجموعه تکالیف و فرائض الهی دانسته که انسان در قبال انجام آن مسئول است^(۶)، و علامه ابن‌کثیر نیز آن را التزام آگاهانه به طاعت همراه با ثواب و عقاب تفسیر می‌کند^(۷). علامه قرطبی نیز امانت را شامل همه وظایف دینی، اخلاقی و اجتماعی می‌داند^(۸)؛ از این‌رو، حفظ منابع طبیعی، رعایت حقوق مردم و مدیریت درست امکانات عمومی از مصادیق آن به شمار می‌آید.

قرآن کریم تحقق امانت را با عدالت پیوند داده و می‌فرماید: ﴿إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا...﴾^(۹)، و در آیه‌ای دیگر از خیانت در امانت نهی کرده است: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَخُونُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ وَتَخُونُوا أَمَانَاتِكُمْ﴾^(۱۰).

بر این اساس، عدالت و امانت‌داری دو رکن اساسی مدیریت منابع، ثروت‌های عمومی و برنامه‌های عمرانی‌اند و هرگونه سوءاستفاده از قدرت، فساد اداری یا اتلاف منابع، با منطق عمران قرآنی ناسازگار است.

سنت نبوی نیز همین معنا را تأیید می‌کند. پیامبر اکرم ﷺ فرمودند: «أَدِّ الْأَمَانَةَ إِلَىٰ مَنْ ائْتَمَنَكَ، وَلَا تَخُنْ مَنْ خَانَكَ»^(۱۱)؛ همچنین خیانت در امانت را از نشانه‌های نفاق دانسته‌اند: «وَإِذَا أُؤْتِمِنَ خَانَ»^(۱۲)، و فرموده‌اند: «لَا إِيمَانَ لِمَنْ لَا أَمَانَةَ لَهُ، وَلَا دِينَ لِمَنْ لَا عَهْدَ لَهُ»^(۱۳) و «كُلُّكُمْ رَاعٍ

۱- سوره الأنعام: ۱۶۵.

۲- سوره ص: ۲۶.

۳- سوره الأعراف: ۵۶.

۴- این حدیث را امام مسلم در «صحیح مسلم»، جلد ۴، صفحه ۲۰۹۸، به شماره (۲۷۴۲)، امام احمد در «المسند»، جلد ۱۷، صفحه ۲۶۱، به شماره (۱۱۱۶۹)، امام نسائی در «السنن الکبری»، جلد ۸، صفحه ۳۰۲، به شماره (۹۲۲۴)، و امام بیهقی در «السنن الکبری»، جلد ۷، صفحه ۹۱، به شماره (۱۳۳۰۱) روایت کرده‌اند.

۵- سوره الأعراف: ۷۲.

۶- نگاه: الطبري، أبو جعفر محمد بن جرير. (دون تاريخ). جامع البيان عن تأويل آي القرآن. مكة المكرمة: دار التربية والتراث، ج ۲۰، ص ۳۳۶.

۷- نگاه: تفسیر ابن کثیر (۶ / ۲۵۴).

۸- نگاه: تفسیر قرطبی (۱۴ / ۲۵۳).

۹- سوره النساء: ۵۸.

۱۰- سوره الأنفال: ۲۷.

وَكُلُّكُمْ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ^(۴)، این احادیث بیانگر آن است که امانت‌داری، مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی، ارکان اخلاق فردی و اجتماعی و شرط تحقق عمران پایدار هستند.

بنابراین، امانت در نظریه عمران قرآنی صرفاً یک فضیلت فردی نیست، بلکه چارچوب اخلاقی مدیریت زمین، منابع و قدرت است. بر این اساس، انسان موظف است امکانات الهی را در مسیر عدالت، مصالح عمومی و آبادانی پایدار به کار گیرد؛ از این رو، امانت ضامن اخلاقی عمران و از ارکان بنیادین شکل‌گیری تمدن اسلامی به شمار می‌آید.

اصل چهارم: تسخیر، ظرفیت و امکان عمران

اصل «تسخیر» یکی از مبانی اساسی نظریه عمران قرآنی است. اگر خلافت، مسئولیت انسان و امانت، ضابطه اخلاقی آن را تبیین می‌کند، تسخیر ظرفیت‌ها و امکانات تحقق این رسالت را فراهم می‌سازد. بر این اساس، خداوند جهان و منابع آن را در خدمت انسان قرار داده تا با بهره‌گیری مسئولانه از آنها، زمین را آباد سازد.

اساس این اصل در آیه شریفه زیر بیان شده است: ﴿وَسَخَّرَ لَكُم مَّا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا مِّنْهُ ۚ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ﴾^(۵).

این آیه نشان می‌دهد که همه امکانات هستی برای منفعت انسان مسخر شده است، اما بهره‌برداری صحیح از آنها نیازمند تفکر، شناخت و تدبیر است. علامه طبری، علامه ابن کثیر و علامه قرطبی نیز تسخیر را شامل همه نعمت‌های آسمانی و زمینی دانسته‌اند که خداوند برای تأمین مصالح انسان در اختیار او قرار داده و بهره‌گیری از آنها را جلوه‌ای از نعمت و احسان الهی معرفی کرده‌اند^(۶).

قرآن کریم مصادیق این تسخیر را در آیات دیگر بیان می‌کند؛ از جمله آب، دریا‌های روان، کشتی، آفتاب، ماه، شب و روز: ﴿اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَأَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجَ بِهِ مِنَ الثَّمَرَاتِ رِزْقًا لَّكُمْ ۚ وَسَخَّرَ لَكُمُ الْفُلْكَ لِتَجْرِيَ فِي الْبَحْرِ بِأَمْرِهِ ۚ وَسَخَّرَ لَكُمُ الْأَنْهَارَ ۚ وَسَخَّرَ لَكُمُ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ دَائِبَيْنِ ۚ وَسَخَّرَ لَكُمُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ ۚ﴾^(۷)، و نیز می‌فرماید: ﴿أَلَمْ تَرَوْا أَنَّ اللَّهَ سَخَّرَ لَكُم مَّا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ﴾^(۸).

این آیات بیانگر آن است که منابع طبیعی و نظام آفرینش، زیرساخت‌های عمران، تولید، زراعت، تجارت و پیشرفت تمدنی را فراهم می‌کنند.

سنت نبوی نیز این اصل را تأیید می‌کند. پیامبر اکرم ﷺ فرمودند: «مَنْ أَحْيَا أَرْضًا مَيْتَةً فَهِيَ لَهُ»^(۹)، که مشروعیت احیای زمین و گسترش فعالیت‌های عمرانی را نشان می‌دهد. همچنین فرمودند: «إِنْ قَامَتِ السَّاعَةُ وَفِي يَدٍ أَحَدِكُمْ فَسِيلَةٌ، فَإِنْ اسْتَطَاعَ أَنْ لَا تَقُومَ حَتَّى يَغْرَسَهَا»

^۱ - این حدیث را امام ابو داود در «سنن»، به شماره (۳۵۳۵)، امام ترمذی در «سنن»، به شماره (۱۲۶۴)، و امام حاکم در «المستدرک علی الصحیحین»، به شماره (۲۲۹۶) روایت کرده‌اند. امام حاکم این حدیث را صحیح دانسته است و حافظ ذهبی نیز با تصحیح او موافقت کرده است.

^۲ - این حدیث را امام احمد در «المسند»، به شماره (۸۶۷۰)، امام بخاری در «صحیح بخاری»، به شماره (۳۳)، امام مسلم در «صحیح مسلم»، به شماره (۱۲۳)، امام ترمذی در «سنن ترمذی»، به شماره (۲۶۳۱)، و امام نسائی در «السنن الکبری»، به شماره (۱۱۰۶۲) روایت کرده‌اند.

^۳ - این حدیث را امام احمد در «المسند»، جلد ۳، صفحه ۱۵۴ روایت کرده است. حافظ هبشی نیز آن را در «مجمع الزوائد»، جلد ۱، صفحه ۹۶ ذکر کرده و گفته است: این حدیث را امام احمد، ابو یعلی، بزار و طبرانی در «المعجم الأوسط» روایت کرده‌اند. همچنین این حدیث در کتاب «صحیح الجامع الصغیر و زیاده» به شماره (۷۱۷۹)، جلد ۲، صفحه ۱۲۰۵ آمده است.

^۴ - متفق علیه: این حدیث را امام بخاری در «صحیح بخاری»، کتاب «الجمعة»، باب «الجمعة فی القرى والمدن»، به شماره (۸۹۳) روایت کرده است. همچنین امام مسلم آن را در «صحیح مسلم»، کتاب «الإمارة»، باب «فضیلة الإمام العادل وعقوبة الجائر»، به شماره (۱۸۲۹) روایت کرده است.

^۵ - سوره الجاثیة: ۱۳.

^۶ - نگاه: تفسیر طبری (۶۵/۲۲)، تفسیر ابن کثیر (۶/۶۰۹)، تفسیر قرطبی (۱۶/۱۶۰).

^۷ - سوره ابراهیم: ۳۲-۳۳. ترجمه: الله همان کسی است که آسمان‌ها و زمین را آفرید، و از آسمان آبی [باران] فرو فرستاد، و به وسیله آن از میوه‌ها [و محصولات] روزی شما را بیرون آورد، و کشتی‌ها را مسخر [و رام] شما کرد تا به فرمان او در دریا روان شوند، و نه‌رها [و رودخانه‌ها] را برای شما مسخر ساخت. و خورشید و ماه را در حالی که همواره [در مسیر خود] روانند، برای شما مسخر کرد، و شب و روز را [نیز] برای شما مسخر گردانید.

^۸ - سوره لقمان: ۲۰. ترجمه: آیا ندیده‌اید [و ندانسته‌اید] که الله آنچه را در آسمان‌ها و آنچه را در زمین است برای شما مسخر [و رام] کرده است؟

^۹ - ترجمه: هر کس زمین مرده‌ای - خرابه - را آباد کند، آن زمین از آن اوست.

فَلْيَعْرِضْهَا^(۱)، که استمرار روح سازندگی و آبادانی را حتی در دشوارترین شرایط تأکید می‌کند، و حدیث: «كُلُّكُمْ رَاعٍ وَكُلُّكُمْ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ»^(۲)، مسئولیت انسان را در بهره‌برداری از این نعمت‌ها یادآور می‌شود.

بنابراین، تسخیر در نظریه عمران قرآنی به معنای واگذاری مطلق طبیعت به انسان نیست، بلکه بیانگر فراهم‌ساختن امکانات الهی برای تحقق رسالت خلافت در چارچوب امانت، مسئولیت و شکرگزاری است. از این‌رو، عمران قرآنی بر بهره‌برداری خردمندانه و مسئولانه از نعمت‌های الهی استوار بوده و میان توسعه، حفظ منابع و مصالح عمومی پیوندی پایدار برقرار می‌سازد.

مبحث سوم: نظریه جامع عمران قرآنی

بررسی آیات قرآن کریم نشان می‌دهد که عمران صرفاً یک مفهوم جزئی مرتبط با آبادانی زمین یا توسعه اقتصادی نیست، بلکه بخشی از یک نظام فکری و تمدنی گسترده به شمار می‌رود. هرچند مفسرین و فقهای کرام ابعاد مختلف عمران را مورد توجه قرار داده‌اند، اما کمتر تلاشی برای ارائه یک چارچوب نظری جامع که بتواند میان مبانی، اهداف، ابعاد و نتایج عمران پیوند برقرار کند، صورت گرفته است. بر اساس تحلیل آیات قرآن، می‌توان عمران را به عنوان یک نظام چندلایه تعریف کرد که از مبانی اعتقادی آغاز می‌شود، در عرصه‌های مختلف زندگی انسانی گسترش می‌یابد و در نهایت به شکل‌گیری تمدن صالح و پایدار منتهی می‌شود. در این تحقیق، این چارچوب با عنوان «نظریه جامع عمران قرآنی» معرفی می‌شود.

ارکان نظریه جامع عمران قرآنی

بر اساس مبانی قرآنی، نظریه جامع عمران بر چهار رکن اساسی استوار است: توحید، خلافت، امانت و تسخیر. این ارکان در کنار یکدیگر چارچوبی منسجم برای تبیین هدف، مسئول، ضابطه و ابزار عمران ارائه می‌کنند؛ به گونه‌ای که هر رکن بخشی از منظومه عمران قرآنی را تکمیل می‌نماید.

الف) توحید؛ رکن جهت‌بخش

توحید، جهت و غایت نهایی عمران را تعیین می‌کند. در دیدگاه قرآنی، آبادانی زمین فعالیت صرفاً مادی یا اقتصادی نیست، بلکه عملی عبادی و بخشی از رسالت انسان در تحقق اراده الهی، اصلاح جامعه و تأمین خیر عمومی است. از این‌رو، توحید به عمران معنا، جهت و مشروعیت می‌بخشد.

خداوند متعال می‌فرماید: ﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ ۝ اللَّهُ الصَّمَدُ ۝ لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ ۝ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ﴾^(۳).

این آیات بیانگر یگانگی مطلق خداوند در ذات، صفات و افعال است. بر این اساس، همه فعالیت‌های انسانی، از جمله عمران و آبادانی زمین، باید در جهت رضایت الهی و تحقق مصالح بندگان او سامان یابد.

بنابراین، توحید به این پرسش پاسخ می‌دهد: «عمران برای چه هدفی انجام می‌شود؟» پاسخ: برای تحقق اراده الهی، اصلاح زندگی انسانی و تأمین خیر عمومی.

این حدیث را امام ابو داود در «سنن ابی داود»، به شماره (۳۰۷۳)، و امام ترمذی در «سنن ترمذی»، به شماره (۱۳۷۸) روایت کرده‌اند. امام ترمذی درباره آن گفته است: «این حدیث، حسن غریب است، و برخی از راویان آن را از هشام بن عروه، از پدرش، از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وسلم به صورت مرسل روایت کرده‌اند.» همچنین امام بخاری در «صحیح بخاری»، جلد ۲، صفحه ۸۲۲، آن را در تعلیقات خویش با صیغه جزم از حضرت عمر بن خطاب رضی‌الله‌عنه نقل کرده است که فرمود: «مَنْ أَحْيَا أَرْضًا مَيْتَةً فَهِيَ لَهُ». ترجمه: «هر کس زمین مرده (بایر) را آباد کند، آن زمین از آن او خواهد بود.»

^۱ - ترجمه: اگر قیامت برپا شود و در دست یکی از شما نهال خرمایی باشد، اگر بتواند پیش از برپا شدن قیامت آن را بکارد، پس آن را بکارد.

این حدیث را امام طرابلسی در «المسند»، صفحه ۲۷۵، به شماره (۲۰۶۸)، امام احمد در «المسند»، جلد ۳، صفحه ۱۹۱، به شماره (۱۳۰۰۴)، و عبد بن حمید در «المسند»، صفحه ۳۶۶، به شماره (۱۲۱۶) روایت کرده‌اند. همچنین امام بخاری آن را در کتاب «الأدب المفرد»، جلد ۱، صفحه ۱۶۸، به شماره (۴۷۹)، و امام بزار نیز آن را روایت کرده است؛ چنان‌که حافظ هشمی در «مجمع الزوائد»، جلد ۴، صفحه ۶۳، پس از نقل آن گفته است: «رجال این حدیث همگی اثبات، ثقه و مورد اعتماد هستند.» همچنین ضیاء مقدسی این حدیث را در «الأحادیث المختارة»، جلد ۷، صفحه ۲۶۳، به شماره (۲۷۱۴) روایت کرده است.

^۲ - ترجمه: همه شما نگهبان و مسئول هستید و هر یک از شما در برابر کسانی که تحت سرپرستی او هستند، مسئول است.

تخریجش پیشتر گذشت.

^۳ - سورة الاخلاص: ۱ - ۴.

ب) خلافت؛ رکن مسئولیت بخش

خلافت، جایگاه انسان را در نظام آفرینش مشخص می‌سازد و مسئولیت مستقیم او را در قبال عمران و آبادانی زمین تبیین می‌کند. انسان در منطق قرآن، موجودی مسئول و مأمور به اصلاح، مدیریت و توسعه زمین است.

دلیل این اصل، فرموده خداوند متعال است: ﴿وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً ۖ قَالُوا أَتَجْعَلُ فِيهَا مَنْ يُفْسِدُ فِيهَا وَيَسْفِكُ الدِّمَاءَ ۚ قَالَ إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ﴾^(۱)

این آیه نشان می‌دهد که انسان به عنوان خلیفه الهی در زمین، مأموریتی فراتر از سکونت دارد و مسئولیت اصلاح، آبادانی و مدیریت صحیح زمین را بر عهده گرفته است.

بنابراین، خلافت به این پرسش پاسخ می‌دهد: «چه کسی مسئول عمران است؟» پاسخ: انسان خلیفه و مسئول.

ج) امانت؛ رکن ضابطه بخش

امانت، چارچوب اخلاقی و حقوقی عمران را تعیین می‌کند و حدود بهره‌برداری از منابع و امکانات را مشخص می‌سازد. بر اساس این اصل، انسان مالک مطلق زمین و منابع آن نیست، بلکه امانت‌دار الهی است و باید از آنها در مسیر عدالت، اصلاح و مصالح عمومی استفاده کند.

خداوند متعال می‌فرماید: ﴿إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَحَمَلَهَا الْإِنْسَانُ ۚ إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا﴾^(۲)

این آیه بیانگر عظمت مسئولیتی است که انسان در قبال خداوند، جامعه و محیط زندگی خود پذیرفته است. از همین رو، عمران مشروع تنها زمانی تحقق می‌یابد که بر پایه امانت‌داری، عدالت و پاسخگویی استوار باشد.

بنابراین، امانت به این پرسش پاسخ می‌دهد: «عمران باید با چه ضوابطی انجام شود؟» پاسخ: با امانت‌داری، عدالت، مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی.

د) تسخیر؛ رکن توانمندساز

تسخیر، ظرفیت‌ها و امکانات لازم برای تحقق عمران را فراهم می‌آورد. خداوند جهان را به گونه‌ای آفریده که انسان بتواند با بهره‌گیری از عقل، علم و تجربه، امکانات آن را در مسیر آبادانی و پیشرفت به کار گیرد.

خداوند متعال می‌فرماید: ﴿وَسَخَّرَ لَكُم مَّا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا مِنْهُ ۚ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ﴾^(۳)

این آیه بیان می‌کند که منابع و ظرفیت‌های موجود در آسمان‌ها و زمین برای بهره‌برداری انسان مهیا گردیده‌اند تا زمینه تحقق رسالت عمرانی او فراهم شود.

بنابراین، تسخیر به این پرسش پاسخ می‌دهد: «ابزار تحقق عمران چیست؟» پاسخ: بهره‌گیری آگاهانه، مسئولانه و هدفمند از ظرفیت‌های جهان هستی.

ابعاد عمران قرآنی

تحلیل آیات قرآن کریم نشان می‌دهد که مفهوم عمران، مفهومی جامع و چندبعدی است و تنها به آبادانی فیزیکی زمین محدود نمی‌شود. از منظر قرآن، عمران حقیقی زمانی تحقق می‌یابد که ابعاد اعتقادی، انسانی، اجتماعی، اقتصادی، زیست‌محیطی و تمدنی به صورت متوازن و هماهنگ در کنار یکدیگر قرار گیرند. از این رو، نظریه عمران قرآنی الگویی فراگیر از توسعه را ارائه می‌کند که همزمان به رشد معنوی، شکوفایی انسانی، عدالت اجتماعی، پیشرفت اقتصادی، حفظ محیط زیست و تعالی تمدنی توجه دارد.

^۱ - سوره البقرة: ۳۰.

^۲ - سوره الأحزاب: ۷۲.

^۳ - سوره الجاثية: ۱۳.

الف) عمران اعتقادی

نخستین و بنیادی‌ترین بُعد عمران در قرآن کریم، عمران اعتقادی است. قرآن، اصلاح باورها و استقرار توحید را زیربنای هرگونه اصلاح و آبادانی می‌داند؛ زیرا جامعه‌ای که از نظر اعتقادی دچار انحراف باشد، هرچند به پیشرفت‌های مادی دست یابد، از منظر قرآن جامعه‌ای آباد و صالح محسوب نمی‌شود. عمران اعتقادی زمینه‌ساز شکل‌گیری تقوا، اخلاص، مسئولیت‌پذیری و جهت‌گیری صحیح فعالیت‌های انسانی است.

خداوند متعال می‌فرماید: ﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ ۝ اللَّهُ الصَّمَدُ ۝ لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ ۝ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ﴾^(۱).

این آیات، اصل توحید را به عنوان بنیاد جهان‌بینی اسلامی مطرح می‌کنند و نشان می‌دهند که همه فعالیت‌های انسانی، از جمله عمران و آبادانی زمین، باید در راستای بندگی خداوند و تحقق خیر عمومی انجام گیرد.

عناصر این بُعد عبارت‌اند از:

- ایمان
- توحید
- تقوا
- اخلاص
- مسئولیت الهی

ب) عمران انسانی

عمران قرآنی پیش از آنکه به آبادانی زمین بپردازد، به آبادانی انسان توجه می‌کند؛ زیرا انسان فاقد علم، اخلاق و تربیت نمی‌تواند جامعه‌ای پایدار و آباد ایجاد نماید. از این رو، قرآن بر تعلیم، تزکیه و پرورش شخصیت انسانی تأکید فراوان دارد.

خداوند متعال می‌فرماید: ﴿هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ﴾^(۲).

این آیه به روشنی نشان می‌دهد که تعلیم، تزکیه و تربیت، اساس رشد و تعالی انسان و مقدمه ضروری برای تحقق عمران و پیشرفت جامعه است.

عناصر این بُعد عبارت‌اند از:

- تعلیم
- تربیت
- تزکیه
- کرامت انسانی
- رشد استعدادها

ج) عمران اجتماعی

عمران اجتماعی به سامان‌دهی روابط انسانی بر اساس عدالت، تعاون و اصلاح اجتماعی اشاره دارد. قرآن کریم جامعه‌ای را آباد می‌داند که در آن روابط اجتماعی بر پایه همکاری در خیر، عدالت، امنیت و همبستگی استوار باشد؛ زیرا تحقق عمران پایدار بدون مشارکت جمعی و انسجام اجتماعی امکان‌پذیر نیست.

خداوند متعال می‌فرماید: ﴿وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ﴾^(۳).

^۱ - سوره الاخلاص: ۱ - ۴.

^۲ - سوره الجمعة: ۲.

^۳ - سوره المائدة: ۲.

این آیه اصل تعاون و مشارکت اجتماعی را به عنوان یکی از مبانی اساسی عمران مطرح می‌سازد و بر همکاری در مسیر خیر، اصلاح و منافع عمومی تأکید می‌نماید.

همچنین خداوند می‌فرماید: ﴿وَإِنْ طَائِفَتَانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ اقْتَتَلُوا فَأَصْلَحُوا بَيْنَهُمَا﴾^(۱)

این آیه بر ضرورت اصلاح روابط اجتماعی، رفع اختلافات و حفظ وحدت و انسجام جامعه تأکید می‌کند که از ارکان بنیادین عمران اجتماعی به شمار می‌رود.

و نیز می‌فرماید: ﴿إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ﴾^(۲)

این آیه عدالت را به عنوان پایه استقرار نظم اجتماعی و شرط اساسی تحقق عمران و آبادانی جامعه معرفی می‌کند.

عناصر این بُعد عبارت‌اند از:

- عدالت اجتماعی
- تعاون و مشارکت اجتماعی
- امنیت
- همبستگی اجتماعی
- اصلاح اجتماعی

به این ترتیب، عمران اجتماعی در منطق قرآن بر سه اصل بنیادین تعاون، اصلاح و عدالت استوار است که زمینه‌ساز شکل‌گیری جامعه‌ای منسجم، امن و آباد می‌گردد.

د) عمران اقتصادی

یکی از ابعاد مهم عمران قرآنی، توسعه فعالیت‌های اقتصادی مشروع و بهره‌برداری صحیح از منابع است. قرآن کریم کار، تولید، تجارت و تلاش اقتصادی را از عوامل آبادانی جامعه و تأمین رفاه عمومی می‌داند.

خداوند متعال می‌فرماید: ﴿لِلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبُوا وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبْنَ﴾^(۳)

این آیه بر ارزش کار، تولید و کسب مشروع تأکید نموده و نقش تلاش اقتصادی را در زندگی فرد و جامعه مورد توجه قرار می‌دهد. عناصر این بُعد عبارت‌اند از:

- تولید
- کار
- زراعت
- تجارت مشروع
- عدالت اقتصادی

ه) عمران زیست‌محیطی

حفظ محیط زیست و صیانت از منابع طبیعی یکی از ابعاد مهم عمران قرآنی است. قرآن ضمن تشویق انسان به بهره‌برداری از نعمت‌های الهی، او را از هرگونه فساد و تخریب در زمین باز می‌دارد.

خداوند متعال می‌فرماید: ﴿وَلَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا﴾^(۴)

^۱ - سوره الحجرات: ۹.

^۲ - سوره النحل: ۹۰.

^۳ - سوره النساء: ۳۲.

^۴ - سوره الأعراف: ۵۶.

این آیه بیانگر آن است که عمران مطلوب قرآنی با حفظ تعادل طبیعی و جلوگیری از تخریب محیط زیست همراه است. عناصر این بُعد عبارت‌اند از:

- حفظ منابع طبیعی
- جلوگیری از تخریب محیط زیست و مدیریت منابع آب
- تعادل زیستی
- حفظ حقوق نسل‌های بعدی
- ممنوعیت اسراف
- و امثال آن‌ها.

و) عمران تمدنی

عمران تمدنی، جامع‌ترین و کامل‌ترین بُعد عمران قرآنی است که از هماهنگی و تعامل همه ابعاد پیشین شکل می‌گیرد. تمدن مطلوب قرآنی بر پایه علم، عدالت، نظم اجتماعی، پیشرفت مادی و تعالی اخلاقی استوار است.

خداوند متعال می‌فرماید: ﴿لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ﴾^(۱)

این آیه سه رکن اساسی تمدن قرآنی؛ یعنی معرفت (الکتاب)، نظام ارزشی و سنجش (المیزان) و عدالت اجتماعی (القسط) را در کنار یکدیگر مطرح می‌سازد.

عناصر این بُعد عبارت‌اند از:

- علم
- عدالت
- نظم اجتماعی
- پیشرفت مادی
- تعالی اخلاقی

پس این ابعاد شش‌گانه عمران قرآنی نشان می‌دهد که قرآن کریم نگاهی جامع به توسعه و آبادانی دارد. در این دیدگاه، عمران از اصلاح عقیده آغاز می‌شود، با تربیت انسان و سامان‌دهی جامعه استمرار می‌یابد، در عرصه اقتصاد و محیط زیست تجلی پیدا می‌کند و در نهایت به شکل‌گیری تمدنی متوازن، عادلانه و اخلاق‌مدار منتهی می‌شود. بدین ترتیب، عمران قرآنی الگویی فراگیر برای پیشرفت همه‌جانبه انسان و جامعه ارائه می‌نماید.

مراحل این فرایند عبارت‌اند از:

مرحله اول: توحید

ایجاد جهان‌بینی صحیح.

مرحله دوم: خلافت

پذیرش مسئولیت در برابر زمین و جامعه.

مرحله سوم: اصلاح انسان

پرورش انسان صالح و توانمند.

مرحله چهارم: اصلاح جامعه

^۱ - سوره الحديد: ۲۵.

تحقق عدالت و نظم اجتماعی.

مرحله پنجم: آبادانی زمین

توسعه اقتصادی، عمرانی و زیست محیطی.

مرحله ششم: شکل گیری تمدن

ظهور جامعه متوازن، پیشرفته و پایدار.

تعریف نهایی نظریه جامع عمران قرآنی

بر اساس یافته های این تحقیق، نظریه جامع عمران قرآنی را می توان چنین تعریف کرد:

عمران قرآنی نظامی معرفتی، ارزشی و تمدنی است که بر پایه توحید، خلافت، امانت و تسخیر استوار بوده و از طریق اصلاح انسان، اصلاح جامعه و بهره برداری مسئولانه از منابع، زمینه تحقق آبادانی متوازن زمین و شکل گیری تمدن صالح و پایدار را فراهم می سازد.

مبحث چهارم: اصول حاکم بر عمران قرآنی

هر نظام عمرانی برای تحقق اهداف خود نیازمند مجموعه ای از اصول و قواعد راهنما است. اگر مبانی نظری عمران قرآنی زیربنای فکری این نظام را تشکیل می دهند، اصول حاکم بر عمران، قواعد عملی و اجرایی آن را مشخص می سازند. بررسی آیات قرآن کریم نشان می دهد که عمران مطلوب تنها در صورتی تحقق می یابد که بر مجموعه ای از اصول ارزشی، اجتماعی و تمدنی استوار باشد. این اصول نه تنها مسیر آبادانی را مشخص می کنند، بلکه معیار ارزیابی موفقیت یا ناکامی جوامع در عرصه عمران نیز به شمار می روند.

اصل اصلاح در برابر فساد

یکی از بنیادی ترین اصول عمران در قرآن کریم، اصل اصلاح است. قرآن عمران را همواره در برابر فساد قرار می دهد و آبادانی حقیقی را در گرو اصلاح فرد، جامعه و محیط زندگی می داند. از این رو، هرگونه توسعه ای که به تخریب ارزش های انسانی، نابودی منابع طبیعی یا گسترش ظلم و بی عدالتی بینجامد، از منظر قرآن عمران مشروع محسوب نمی شود.

خداوند متعال می فرماید: ﴿وَلَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا﴾^(۱)

این آیه نشان می دهد که اصل در زمین، اصلاح و آبادانی است و انسان مأمور است این وضعیت را حفظ و تقویت نماید، نه آنکه آن را به فساد و تباهی تبدیل کند.

اصلاح در قرآن مفهومی فراگیر دارد و بخش های اعتقادی، اخلاقی، اجتماعی، اقتصادی و زیست محیطی را در بر می گیرد. بنابراین، عمران قرآنی پیش از توجه به ساخت بناها و توسعه مادی، به اصلاح ساختارهای انسانی و اجتماعی اهتمام می ورزد.

پس عمران قرآنی بدون اصلاح امکان پذیر نیست و هرگونه آبادانی که به فساد منتهی شود، از مشروعیت قرآنی برخوردار نخواهد بود.

اصل عدالت

عدالت یکی از محوری ترین ارزش های قرآن کریم و از مهم ترین اصول عمران به شمار می رود. تحقق عمران پایدار و شکل گیری جامعه سالم بدون استقرار عدالت امکان پذیر نیست؛ زیرا بی عدالتی زمینه ساز فروپاشی اجتماعی، گسترش فقر و نابودی ظرفیت های تمدنی است.

خداوند متعال می فرماید: ﴿لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ﴾^(۲)

این آیه اقامه قسط و عدالت را هدف اساسی بعثت پیامبران معرفی می کند و نشان می دهد که عدالت، زیربنای نظم اجتماعی و عمران انسانی است.

عمران بدون عدالت به تمرکز ثروت، تبعیض اجتماعی و محرومیت گروه های مختلف جامعه منجر می شود. از این رو، توسعه اقتصادی و عمرانی زمانی ارزشمند است که منافع آن به صورت عادلانه میان افراد جامعه توزیع گردد.

^۱ - سوره الأعراف: ۵۶.

^۲ - سوره الحديد: ۲۵.

پس عدالت ضامن پایداری عمران و شرط اساسی تحقق توسعه متوازن در جامعه است.

اصل کار و تلاش

کار و تلاش از مهم‌ترین عوامل تحقق عمران در منطق قرآن کریم است. قرآن انسان را موجودی فعال، مسئول و مکلف به تلاش برای آبادانی زندگی فردی و اجتماعی معرفی می‌کند.

خداوند متعال می‌فرماید: ﴿وَأَنْ لَّيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى﴾^(۱)

این آیه رابطه مستقیم میان دستاوردهای انسان و میزان تلاش او را بیان می‌کند و نشان می‌دهد که عمران و پیشرفت، نتیجه کوشش آگاهانه و مستمر انسان است.

همچنین احادیث مربوط به احیای زمین‌های موات، زراعت و غرس درخت، جایگاه والای کار مولد و نقش آن را در آبادانی جامعه تأیید می‌کنند.

پس کار و تلاش عامل محرک عمران و یکی از مهم‌ترین عوامل پیشرفت و توسعه جوامع انسانی به شمار می‌رود.

اصل علم و آگاهی

یکی از ویژگی‌های برجسته نظریه عمران قرآنی، پیوند عمیق آن با علم و معرفت است. بهره‌برداری صحیح از منابع، مدیریت امکانات و برنامه‌ریزی برای توسعه بدون علم و آگاهی امکان‌پذیر نیست.

خداوند متعال می‌فرماید: ﴿اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ﴾^(۲)

نخستین فرمان وحی با دعوت به خواندن و کسب معرفت آغاز شده است که بیانگر جایگاه بنیادین علم در ساختن فرد، جامعه و تمدن می‌باشد.

توسعه زراعت، مدیریت منابع آب، پیشرفت تکنالوژی، برنامه‌ریزی شهری و حفاظت از محیط زیست، همگی نیازمند دانش و تخصص هستند.

پس علم و آگاهی زیرساخت اصلی عمران و شرط بهره‌برداری صحیح از ظرفیت‌های جهان هستی محسوب می‌شود.

اصل تعادل و میانه‌روی

یکی دیگر از اصول اساسی عمران قرآنی، رعایت تعادل و میانه‌روی در بهره‌برداری از امکانات و منابع است. قرآن کریم انسان را به دوری از افراط و تفریط و حرکت در مسیر اعتدال فرا می‌خواند.

خداوند متعال می‌فرماید: ﴿وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا﴾^(۳)

این آیه بیانگر آن است که اعتدال و توازن از ویژگی‌های اساسی امت اسلامی و از اصول بنیادین نظام زندگی اسلامی است. در بخش عمران نیز بهره‌برداری از منابع باید به گونه‌ای باشد که میان نیازهای انسان، حقوق جامعه و حفظ محیط زیست توازن برقرار گردد.

پس تعادل، ضامن استمرار عمران و مانع از تبدیل توسعه به تخریب منابع و بحران‌های اجتماعی می‌شود.

اصل مسئولیت‌پذیری

مسئولیت‌پذیری از ارکان اساسی عمران قرآنی است. قرآن کریم انسان را موجودی پاسخگو در برابر خداوند، جامعه و محیط پیرامون معرفی می‌کند و او را نسبت به نتایج و پیامدهای اعمالش مسئول می‌داند.

خداوند متعال می‌فرماید: ﴿إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَحَمَلَهَا الْإِنْسَانُ﴾^(۴)

۱- سوره النجم: ۳۹.

۲- سوره العلق: ۱.

۳- سوره البقرة: ۱۴۳.

۴- سوره الأحزاب: ۷۲.

این آیه مسئولیت عظیمی را که انسان در قالب امانت الهی پذیرفته است، بیان می‌کند و نشان می‌دهد که آبادانی زمین باید با احساس تعهد و پاسخگویی همراه باشد.

بر اساس این اصل، انسان موظف است آثار کوتاه مدت و بلندمدت اقدامات خود را در نظر بگیرد و از هرگونه رفتاری که به فساد، تباهی یا تضییع حقوق دیگران منجر شود، پرهیز نماید. پس مسئولیت‌پذیری زمینه تحقق عمران آگاهانه، اخلاقی و پایدار را فراهم می‌سازد.

مبحث پنجم: تطبیقات و کاربری‌های تمدنی، نظریه عمران قرآنی در جهان معاصر

جهان معاصر با مجموعه‌ای از چالش‌های پیچیده در بخش‌های توسعه، محیط زیست، فقر، نابرابری، بحران‌های اخلاقی و ناپایداری تمدنی روبه‌رو است. بسیاری از الگوهای توسعه موجود، هرچند در برخی عرصه‌ها به پیشرفت‌های مادی دست یافته‌اند، اما نتوانسته‌اند میان رشد اقتصادی، عدالت اجتماعی، سلامت محیط زیست و تعالی انسانی توازن برقرار کنند.

در چنین شرایطی، نظریه عمران قرآنی می‌تواند به عنوان چارچوبی جامع برای بازاندیشی در مفهوم توسعه و تمدن مورد توجه قرار گیرد. این نظریه با تلفیق ابعاد مادی و معنوی زندگی، الگویی متوازن برای آبادانی زمین و شکوفایی جامعه انسانی ارائه می‌کند.

فرع اول: عمران قرآنی و توسعه پایدار

یکی از مهم‌ترین تطبیقات و کاربری‌های معاصر نظریه عمران قرآنی، تبیین مبانی توسعه پایدار است. اگرچه توسعه پایدار در ادبیات جدید به تأمین نیازهای نسل حاضر بدون آسیب رساندن به حقوق نسل‌های آینده تعریف می‌شود، اما این مفهوم در آموزه‌های قرآنی بر پایه اصولی چون امانت، مسئولیت‌پذیری، اعتدال و پرهیز از فساد استوار است.

خداوند متعال می‌فرماید: ﴿إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَحَمَلَهَا الْإِنْسَانُ﴾^(۱)

این آیه جایگاه انسان را به عنوان حامل امانت الهی تبیین می‌کند؛ امانتی که تنها به تکالیف عبادی محدود نیست، بلکه مسئولیت بهره‌برداری صحیح از نعمت‌ها و امکانات الهی را نیز در بر می‌گیرد. از این منظر، منابع طبیعی و ظرفیت‌های موجود در زمین ملک مطلق انسان نیستند، بلکه امانت‌هایی هستند که باید در چارچوب عدالت، اعتدال و مصلحت عمومی مورد استفاده قرار گیرند. بر همین اساس، عمران قرآنی با هرگونه بهره‌برداری بی‌رویه و مصرفی که به تضییع حقوق نسل‌های آینده بینجامد، ناسازگار است و زمینه نظری مناسبی برای تحقق توسعه پایدار فراهم می‌آورد.

فرع دوم: عمران قرآنی و حفاظت از محیط زیست

حفاظت از محیط زیست یکی از مهم‌ترین عرصه‌های کاربری نظریه عمران قرآنی به شمار می‌رود. قرآن کریم در کنار دعوت انسان به بهره‌برداری از نعمت‌های الهی، همواره بر حفظ تعادل و جلوگیری از فساد در زمین تأکید کرده است.

خداوند متعال می‌فرماید: ﴿وَلَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا﴾^(۲)

این آیه نشان می‌دهد که اصل حاکم بر رابطه انسان و طبیعت، اصلاح و آبادانی است نه تخریب و فساد. از این‌رو هرگونه اقدامی که موجب نابودی منابع طبیعی، آلودگی محیط زیست یا برهم خوردن تعادل نظام آفرینش گردد، با فلسفه عمران قرآنی ناسازگار خواهد بود. بر اساس این دیدگاه، محیط زیست بخشی از امانت الهی است و حفظ آن نه تنها یک ضرورت انسانی، بلکه مسئولیتی دینی و اخلاقی نیز محسوب می‌شود.

فرع سوم: عمران قرآنی و عدالت اقتصادی

عدالت اقتصادی یکی از مهم‌ترین جلوه‌های عملی عمران قرآنی است؛ زیرا آبادانی واقعی زمانی تحقق می‌یابد که ثمرات توسعه و تولید به صورت متوازن و عادلانه در جامعه توزیع شود.

خداوند متعال می‌فرماید: ﴿لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ﴾^(۳)

^۱ - سوره الأَحْزَاب: ۷۲.

^۲ - سوره الْأَعْرَاف: ۵۶.

^۳ - سوره الْحَدِيد: ۲۵.

قرآن کریم عدالت را از اهداف اساسی رسالت‌های الهی معرفی می‌کند و بدین وسیله آن را به یکی از ارکان سامان‌یافتگی حیات اجتماعی و اقتصادی تبدیل می‌سازد. بر این اساس، عمران تنها در افزایش تولید و گسترش فعالیت‌های اقتصادی خلاصه نمی‌شود، بلکه مستلزم توزیع عادلانه فرصت‌ها، امکانات و منابع نیز هست. از این رو هر توسعه‌ای که به تمرکز ثروت، محرومیت عمومی یا گسترش شکاف‌های اجتماعی منجر گردد، با روح عمران قرآنی سازگار نخواهد بود.

فرع چهارم: عمران قرآنی و سرمایه انسانی

در منظومه فکری قرآن، انسان محور اصلی عمران و آبادانی زمین است؛ از این رو اصلاح و توانمندسازی انسان بر توسعه سایر منابع تقدم دارد.

خداوند متعال می‌فرماید: ﴿هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ﴾^(۱)

این آیه فرآیند تمدن‌سازی اسلامی را از درون انسان آغاز می‌کند و عناصر بنیادینی چون تعلیم، تزکیه و حکمت را در شکل‌گیری شخصیت انسانی برجسته می‌سازد. بر همین اساس، توسعه علمی، تربیت اخلاقی، مهارت‌آموزی و پرورش استعدادها از مهم‌ترین پیش‌نیازهای عمران به شمار می‌روند؛ زیرا بدون انسان صالح، آگاه و مسئول، هیچ برنامه عمرانی یا تمدنی به پایداری نخواهد رسید.

فرع پنجم: عمران قرآنی و حکمرانی صالح

حکمرانی صالح از مهم‌ترین سازوکارهای تحقق عمران قرآنی است؛ زیرا کیفیت مدیریت و نظام اداره جامعه نقش تعیین‌کننده‌ای در آبادانی یا ویرانی جوامع دارد.

خداوند متعال می‌فرماید: ﴿إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ﴾^(۲)

این آیه دو پایه اساسی حکمرانی را در امانت‌داری و عدالت خلاصه می‌کند. از منظر عمران قرآنی، اداره جامعه زمانی می‌تواند زمینه‌ساز پیشرفت و آبادانی باشد که بر شایسته‌سالاری، پاسخگویی، رعایت حقوق عمومی و مبارزه با فساد استوار گردد. تجربه تاریخی نیز نشان می‌دهد که بسیاری از جوامع نه به سبب کمبود منابع، بلکه در نتیجه ضعف مدیریت و گسترش فساد دچار افول شده‌اند.

فرع ششم: عمران قرآنی و تمدن‌سازی اسلامی

تمدن‌سازی عالی‌ترین مرحله تحقق عمران قرآنی و غایت نهایی آن به شمار می‌رود. در نگاه قرآن، تمدن صرفاً مجموعه‌ای از دستاوردهای مادی نیست، بلکه حاصل هماهنگی میان ایمان، علم، اخلاق، عدالت و پیشرفت اجتماعی است.

خداوند متعال می‌فرماید: ﴿وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ﴾^(۳)

مفهوم «امت وسط» بیانگر الگویی متوازن از حیات انسانی است که در آن میان نیازهای مادی و معنوی، فرد و جامعه، دنیا و آخرت تعادل برقرار می‌شود. چنین توازنی بستر شکل‌گیری تمدنی را فراهم می‌آورد که در آن علم، عدالت، تولید، اخلاق و معنویت در کنار یکدیگر رشد می‌کنند. از این رو عمران قرآنی را می‌توان مبنای نظری تمدن‌سازی اسلامی و چارچوبی برای بازسازی نقش تمدنی امت اسلامی در عصر حاضر دانست.

فرع هفتم: سهم نظریه عمران قرآنی در گفتمان معاصر توسعه

مفهوم توسعه در دهه‌های اخیر به یکی از مهم‌ترین موضوعات علوم انسانی و اجتماعی تبدیل شده است. با وجود تنوع رویکردهای توسعه، بخش قابل توجهی از نظریه‌های رایج توسعه بر شاخص‌های اقتصادی، افزایش تولید، رشد سرمایه و گسترش تکنالوژی تمرکز داشته‌اند. هرچند این رویکردها در بهبود برخی ابعاد زندگی بشر نقش مهمی ایفا کرده‌اند، اما در بسیاری از موارد نتوانسته‌اند پاسخ مناسبی برای چالش‌هایی همچون بحران‌های اخلاقی، نابرابری اجتماعی، تخریب محیط زیست و کاهش کیفیت معنوی زندگی ارائه کنند. در چنین فضایی، نظریه عمران قرآنی می‌تواند به عنوان یک چارچوب معرفتی و تمدنی، افق جدیدی را در گفتمان توسعه معاصر مطرح سازد.

^۱ - سورة الجمعة: ۲.

^۲ - سورة النساء: ۵۸.

^۳ - سورة البقرة: ۱۴۳.

۱- فراتر رفتن از تقلیل توسعه به رشد اقتصادی

یکی از ویژگی‌های غالب در بسیاری از نظریه‌های توسعه معاصر، تمرکز بر ابعاد اقتصادی توسعه است. در این رویکردها، میزان تولید، درآمد سرانه، سرمایه‌گذاری و رشد اقتصادی از مهم‌ترین شاخص‌های سنجش پیشرفت جوامع محسوب می‌شوند. هرچند این شاخص‌ها در ارزیابی وضعیت اقتصادی کشورها اهمیت دارند، اما نمی‌توانند تمامی ابعاد پیشرفت انسانی را بازتاب دهند.

در مقابل، نظریه عمران قرآنی توسعه را مفهومی چندبعدی می‌داند که علاوه بر رشد اقتصادی، ابعاد انسانی، اخلاقی، اجتماعی، فرهنگی و معنوی را نیز در بر می‌گیرد. از منظر قرآن کریم، آبادانی حقیقی زمانی تحقق می‌یابد که پیشرفت مادی در کنار تعالی اخلاقی، گسترش عدالت، تقویت همبستگی اجتماعی و رشد معنوی انسان قرار گیرد. بر این اساس، عمران قرآنی نگاه تک‌بعدی به توسعه را نقد کرده و فهمی جامع از پیشرفت انسانی ارائه می‌دهد.

۲- تلفیق رشد مادی و تعالی معنوی

یکی از مهم‌ترین تمایزهای نظریه عمران قرآنی با بسیاری از الگوهای توسعه معاصر، پیوند میان رشد مادی و تعالی معنوی است. در حالی که برخی رویکردهای مدرن توسعه، پیشرفت را عمدتاً در افزایش رفاه مادی و گسترش امکانات اقتصادی خلاصه می‌کنند، قرآن کریم انسان را موجودی دارای ابعاد مادی و روحانی می‌داند که سعادت او تنها از طریق تأمین نیازهای اقتصادی تحقق نمی‌یابد.

بر اساس نظریه عمران قرآنی، آبادانی زمین زمانی ارزشمند و پایدار خواهد بود که با تقویت ایمان، اخلاق، مسئولیت‌پذیری و کرامت انسانی همراه باشد. از این منظر، توسعه نه صرفاً فرآیندی اقتصادی، بلکه حرکتی همه‌جانبه در جهت شکوفایی ظرفیت‌های مادی و معنوی انسان است. به همین دلیل، عمران قرآنی میان پیشرفت اقتصادی و رشد اخلاقی رابطه‌ای مکمل و جدایی‌ناپذیر برقرار می‌کند.

۳- بازتعریف توسعه پایدار در چارچوب مسئولیت اخلاقی و الهی

مفهوم توسعه پایدار در دهه‌های اخیر به یکی از مهم‌ترین مباحث سیاست‌گذاری جهانی تبدیل شده است. هدف اصلی این رویکرد، تأمین نیازهای نسل حاضر بدون آسیب رساندن به توانایی نسل‌های آینده در بهره‌برداری از منابع و امکانات است. با وجود اهمیت این دیدگاه، توسعه پایدار در بسیاری از الگوهای رایج عمدتاً بر مبانی اقتصادی، مدیریتی و زیست‌محیطی استوار است.

نظریه عمران قرآنی با حفظ این ابعاد، بُعد دیگری را نیز به توسعه پایدار می‌افزاید و آن مسئولیت اخلاقی و الهی انسان در برابر جهان هستی است. از دیدگاه قرآن، انسان مالک مطلق زمین نیست، بلکه امانت‌دار الهی است و موظف است در بهره‌برداری از منابع طبیعی حدود عدالت، اعتدال و مسئولیت را رعایت کند. بر این اساس، حفاظت از محیط زیست، جلوگیری از فساد و بهره‌برداری صحیح از منابع طبیعی صرفاً یک ضرورت مدیریتی یا اقتصادی نیست، بلکه بخشی از مسئولیت دینی و اخلاقی انسان در برابر خداوند و نسل‌های آینده محسوب می‌شود.

۴- ایجاد توازن میان انسان، طبیعت و ارزش‌های اخلاقی

یکی از چالش‌های مهم جهان معاصر، گسست میان پیشرفت اقتصادی و ملاحظات انسانی و زیست‌محیطی است. در بسیاری از موارد، بهره‌برداری بی‌رویه از منابع طبیعی و غلبه منطق منفعت محور موجب بروز بحران‌های گسترده زیست‌محیطی و اجتماعی شده است. این وضعیت نشان می‌دهد که توسعه بدون چارچوب اخلاقی می‌تواند پیامدهای ناخواسته و گاه جبران‌ناپذیری به همراه داشته باشد.

نظریه عمران قرآنی با تأکید بر اصل خلافت انسان، امانت‌داری، عدالت و عدم فساد، الگویی متوازن از رابطه میان انسان و طبیعت ارائه می‌دهد. در این الگو، طبیعت نه ابزاری برای استثمار نامحدود و نه مانعی در برابر پیشرفت انسان تلقی می‌شود، بلکه بخشی از نظام الهی است که باید به صورت مسئولانه و عادلانه مورد بهره‌برداری قرار گیرد. از این رو، عمران قرآنی تلاش می‌کند میان نیازهای مادی انسان، حفظ محیط زیست و رعایت ارزش‌های اخلاقی تعادل برقرار سازد.

فرع هشتم: الگوی توازن عمران قرآنی

تحلیل آیات مرتبط با خلافت انسان، استعمار زمین، امانت الهی، عدالت، اصلاح و نهی از فساد نشان می‌دهد که عمران در قرآن کریم یک فرایند تک‌بعدی و صرفاً اقتصادی نیست، بلکه نظامی متوازن و چندلایه است که میان انسان، طبیعت و جامعه پیوند برقرار می‌سازد. بر

اساس این دیدگاه، آبادانی مطلوب زمانی تحقق می‌یابد که رشد و تعالی انسان، بهره‌برداری مسئولانه از منابع طبیعی و تحقق عدالت و پیشرفت اجتماعی به صورت همزمان و هماهنگ دنبال شوند. بر این اساس، می‌توان الگوی مفهومی «توازن عمران قرآنی» را به عنوان چارچوبی برای تبیین نظریه عمران در قرآن ارائه نمود.

ساختار این الگوی

الگوی پیشنهادی بر سه رکن اساسی استوار است:

انسان صالح

استفاده و بهره‌برداری مسئولانه از طبیعت

تحقق عدالت و پیشرفت تمدنی

این سه مؤلفه در یک رابطه متقابل و تکاملی قرار دارند و حذف هر یک از آنها موجب اختلال در فرآیند عمران خواهد شد.

رکن نخست: انسان صالح

نخستین و بنیادی‌ترین رکن عمران قرآنی، انسان است. قرآن کریم انسان را خلیفه خداوند در زمین معرفی می‌کند و مسئولیت آبادانی زمین را بر عهده او می‌گذارد. از این منظر، عمران پیش از آنکه یک پروژه اقتصادی یا عمرانی باشد، یک پروژه انسانی و تربیتی است. انسان مطلوب در نظریه عمران قرآنی دارای ویژگی‌هایی چون ایمان، دانش، اخلاق، مسئولیت‌پذیری، عدالت‌خواهی و روحیه اصلاح‌گری است. چنین انسانی از ظرفیت‌های طبیعی جهان برای تحقق خیر عمومی بهره می‌گیرد و از تبدیل قدرت و ثروت به ابزار فساد جلوگیری می‌کند.

بر این اساس، توسعه منابع انسانی، آموزش، تربیت اخلاقی، ارتقای دانش و تقویت مسئولیت اجتماعی از مهم‌ترین پیش‌نیازهای تحقق عمران به شمار می‌روند. پس در نظریه عمران قرآنی، نقطه آغاز توسعه نه سرمایه و نه تکنالوژی، بلکه «انسان صالح» است.

رکن دوم: استفاده و بهره‌برداری مسئولانه از طبیعت

دومین رکن الگوی، نحوه تعامل انسان با طبیعت است. قرآن کریم زمین و منابع طبیعی را از نعمت‌های الهی می‌داند که برای بهره‌برداری انسان مسخر گردیده‌اند؛ اما این بهره‌برداری مطلق و نامحدود نیست.

اصل امانت، نهی از فساد، اعتدال در مصرف و مسئولیت‌پذیری، چارچوب اخلاقی بهره‌برداری از طبیعت را مشخص می‌کنند. بر اساس این اصول، انسان موظف است ضمن استفاده از منابع طبیعی، از تخریب محیط زیست، اسراف و نابودی سرمایه‌های طبیعی جلوگیری نماید. در این چارچوب، حفاظت از محیط زیست نه یک انتخاب اختیاری، بلکه بخشی از مسئولیت دینی و تمدنی انسان محسوب می‌شود. پس عمران قرآنی بر بهره‌برداری از طبیعت تأکید دارد، اما این بهره‌برداری را در چارچوب مسئولیت، اعتدال و حفاظت از منابع تعریف می‌کند.

رکن سوم: تحقق عدالت و پیشرفت تمدنی

سومین رکن الگوی، نتیجه و غایت عمران است. هدف نهایی عمران در قرآن صرفاً افزایش ثروت یا گسترش زیرساخت‌های مادی نیست، بلکه ایجاد جامعه‌ای عادل، پویا و برخوردار از پیشرفت همه‌جانبه است.

عدالت در توزیع فرصت‌ها، کاهش فقر، گسترش رفاه عمومی، امنیت اجتماعی، توسعه علمی و استقرار ارزش‌های اخلاقی از مهم‌ترین شاخص‌های پیشرفت تمدنی در دیدگاه قرآنی به شمار می‌روند.

بررسی سرگذشت اقوام گذشته در قرآن نیز نشان می‌دهد که جوامع زمانی به شکوفایی دست یافته‌اند که میان قدرت مادی و عدالت اجتماعی توازن برقرار کرده‌اند و هرگاه از این مسیر منحرف شده‌اند، زمینه سقوط و فروپاشی آنها فراهم شده است.

پس ثمره نهایی عمران قرآنی، شکل‌گیری تمدنی متوازن است که در آن پیشرفت مادی با عدالت، اخلاق و کرامت انسانی همراه باشد.

روابط داخلی این الگوی

یکی از ویژگی‌های مهم این الگوی، ارتباط ارگانیک میان سه رکن آن است.

انسان صالح بدون بهره‌برداری صحیح از منابع طبیعی قادر به ایجاد آبادانی نخواهد بود. از سوی دیگر، بهره‌برداری از طبیعت بدون هدایت اخلاقی و معنوی ممکن است به فساد و تخریب محیط زیست منجر شود. همچنین توسعه اقتصادی و عمرانی اگر به عدالت اجتماعی و رفاه عمومی نینجامد، از منظر قرآن عمران حقیقی محسوب نمی‌شود.

بنابراین رابطه میان سه مؤلفه الگوی را می‌توان به صورت زیر بیان کرد:

انسان صالح ← مدیریت مسئولانه منابع ← عدالت و شکوفایی تمدنی

و در مقابل:

فساد انسانی ← تخریب منابع ← فروپاشی تمدنی

در پایان باید گفت که: الگوی توازن عمران قرآنی نشان می‌دهد که نظریه عمران در قرآن کریم بر سه رکن اساسی انسان صالح، بهره‌برداری مسئولانه از طبیعت و تحقق عدالت و پیشرفت تمدنی استوار است. این سه رکن در یک ارتباط متقابل و تکاملی قرار دارند و مجموع آنها چارچوبی جامع برای تبیین مفهوم آبادانی زمین ارائه می‌کنند. از این منظر، عمران قرآنی نه صرفاً یک فعالیت اقتصادی و نه صرفاً یک وظیفه عبادی، بلکه فرایندی تمدنی است که با هدف تحقق سعادت انسان و آبادانی پایدار زمین سامان می‌یابد.

نمودار تطبیقات و کاربست‌های تمدنی نظریه عمران قرآنی در جهان معاصر

خلافت و امانت الهی



انسان صالح



علم + کار + عدالت + اصلاح



بهره‌برداری مسئولانه از طبیعت



عمران پایدار



پیشرفت تمدنی و سعادت انسانی

نتیجه‌گیری

بر اساس تحلیل آیات قرآن کریم، احادیث نبوی و آرای اندیشمندان اسلامی، تحقیق حاضر به یافته‌های زیر دست یافته است:

۱. عمران در قرآن کریم، مأموریتی الهی و از ارکان رسالت انسان در مقام خلافت الهی برای آبادانی و اصلاح زمین است.
۲. نظریه عمران قرآنی بر چهار مبنای اساسی توحید، خلافت، امانت و تسخیر استوار بوده و چارچوب معرفتی رابطه انسان با خدا، طبیعت و جامعه را تبیین می‌کند.
۳. عمران قرآنی مفهومی جامع و چندبعدی است که ابعاد اعتقادی، اخلاقی، انسانی، اجتماعی، اقتصادی، زیست‌محیطی و تمدنی را در بر می‌گیرد.
۴. عدالت، اصلاح، علم، کار، مسئولیت‌پذیری و اعتدال، اصول بنیادین تحقق عمران و پیشرفت پایدار در قاموس قرآن کریم به شمار می‌روند.
۵. عمران قرآنی میان بهره‌برداری از منابع طبیعی و حفظ آن‌ها توازن برقرار کرده و توسعه را بر اساس مسئولیت، اعتدال و پیشگیری از فساد سامان می‌دهد.

۶. نظریه عمران قرآنی ظرفیت تبیین و پشتیبانی از گفتمان‌های معاصر، از جمله توسعه پایدار، عدالت اجتماعی، امنیت غذایی، حفاظت از محیط زیست و حکمرانی صالح را داراست.
۷. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که آموزه‌های مرتبط با آبادانی زمین در قرآن کریم از انسجام مفهومی لازم برای بازسازی نظریه جامع عمران قرآنی برخوردارند.
۸. تحقیق حاضر با ارائه الگوی توازن عمران قرآنی بر اساس سه رکن «انسان صالح»، «بهره‌برداری مسئولانه از طبیعت» و «عدالت و شکوفایی تمدنی»، چارچوبی مفهومی برای مطالعات آینده پیشنهاد می‌کند.

پیشنهادهای

- بر اساس یافته‌های این تحقیق، پیشنهادهای زیر ارائه می‌شود:
۱. محققین علوم قرآنی و مطالعات تمدنی، مفهوم عمران را به عنوان یک نظریه مستقل قرآنی مورد مطالعه قرار داده و ابعاد آن را با رویکردهای تخصصی توسعه دهند.
 ۲. مراکز علمی و اکادمیک، ارتباط میان نظریه عمران قرآنی و مفاهیم معاصر همچون توسعه پایدار، حکمرانی صالح و مطلوب، اقتصاد اسلامی و حفاظت از محیط زیست را در قالب تحقیقات تخصصی بررسی نمایند.
 ۳. سیاست‌گذاران کشورهای اسلامی در طراحی برنامه‌های توسعه، علاوه بر شاخص‌های اقتصادی، به ابعاد اخلاقی، اجتماعی و زیست‌محیطی عمران نیز توجه نمایند.
 ۴. نهادهای آموزشی و فرهنگی، فرهنگ مسئولیت‌پذیری، کار، تولید، حفظ محیط زیست و آبادانی زمین را بر اساس آموزه‌های قرآن کریم در جامعه ترویج کنند.
 ۵. پیشنهاد می‌شود تحقیقات آینده به بررسی تطبیقی نظریه عمران قرآنی با نظریه‌های معاصر توسعه، از جمله توسعه پایدار، توسعه انسانی و توسعه تمدنی بپردازند.
 ۶. تدوین شاخص‌های عملیاتی برای سنجش میزان تحقق عمران قرآنی در جوامع اسلامی می‌تواند زمینه را برای کاربردی‌سازی این نظریه در عرصه سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی فراهم سازد.

فهرست منابع

۱. قرآن کریم.
۲. ابن الاثیر، مجد الدین المبارک بن محمد. (د.ت.). النهایة فی غریب الحدیث والأثر. بیروت: المكتبة العلمية.
۳. ابن خلدون، عبد الرحمن بن محمد. (۱۹۸۱). دیوان المبتدأ والخبر فی تاریخ العرب والبربر ومن عاصرهم من ذوی الشأن الأكبر (تحقیق: خلیل شحادة، مراجعة: سهیل زکار، ط ۱). بیروت: دار الفکر.
۴. ابن درید، أبو بکر محمد بن الحسن الأزدي. (۱۹۹۱). الاشتقاق (تحقیق وشرح: عبد السلام محمد هارون). بیروت: دار الجیل.
۵. ابن عاشور، محمد الطاهر. (د.ت.). التحریر والتنویر. تونس: الدار التونسية للنشر.
۶. ابن فارس، أحمد بن فارس بن زکریا. (۱۹۷۲). معجم مقاییس اللغة (تحقیق: عبد السلام محمد هارون، ط ۲). مصر: شركة مكتبة ومطبعة مصطفى البابي الحلبي وأولاده.
۷. ابن کثیر، إسماعیل بن عمر بن کثیر القرشي الدمشقي. (۱۹۹۹). تفسیر القرآن العظیم (تحقیق: سامی بن محمد السلامة، ط ۲). الرياض: دار طيبة للنشر والتوزيع.
۸. ابن منظور، محمد بن مکرم الأنصاري الإفريقي. (۱۴۱۴ هـ). لسان العرب (ط ۳). بیروت: دار صادر.

٩. أبو السعود العمادي، محمد بن محمد بن مصطفى. (د.ت.). إرشاد العقل السليم إلى مزايا الكتاب الكريم. بيروت: دار إحياء التراث العربي.
١٠. أبو داود السجستاني، سليمان بن الأشعث. (د.ت.). سنن أبي داود. بيروت: المكتبة العصرية.
١١. أحمد بن حنبل، أحمد بن محمد. (د.ت.). المسند. بيروت: مؤسسة الرسالة.
١٢. الأصفهاني، الراغب. (١٩٩٢). المفردات في غريب القرآن (تحقيق: صفوان عدنان داوودي، ط ١). دمشق: دار القلم.
١٣. الآلوسي، محمود بن عبد الله. (١٩٩٤). روح المعاني في تفسير القرآن العظيم والسبع المثاني (تحقيق: علي عبد الباري عطية، ط ١). بيروت: دار الكتب العلمية.
١٤. البخاري، محمد بن إسماعيل. (د.ت.). الأدب المفرد. بيروت: دار البشائر الإسلامية.
١٥. البخاري، محمد بن إسماعيل. (د.ت.). صحيح البخاري. دمشق: دار ابن كثير.
١٦. البيضاوي، عبد الله بن عمر. (د.ت.). أنوار التنزيل وأسرار التأويل. بيروت: دار إحياء التراث العربي.
١٧. البيهقي، أحمد بن الحسين. (د.ت.). السنن الكبرى. بيروت: دار الكتب العلمية.
١٨. الترمذي، محمد بن عيسى. (د.ت.). سنن الترمذي. القاهرة: شركة مكتبة ومطبعة مصطفى البابي الحلبي.
١٩. الثعالبي، عبد الرحمن بن محمد. (د.ت.). الجواهر الحسان في تفسير القرآن. بيروت: دار إحياء التراث العربي.
٢٠. الجوهري، إسماعيل بن حماد. (د.ت.). الصحاح تاج اللغة وصحاح العربية. بيروت: دار العلم للملايين.
٢١. الحاكم النيسابوري، محمد بن عبد الله. (د.ت.). المستدرک على الصحيحين. بيروت: دار الكتب العلمية.
٢٢. الخليل بن أحمد الفراهيدي، الخليل بن أحمد. (د.ت.). العين (تحقيق: مهدي المخزومي وإبراهيم السامرائي). بيروت: دار ومكتبة الهلال.
٢٣. الذهبي، محمد بن أحمد. (د.ت.). تذكرة الحفاظ. بيروت: دار الكتب العلمية.
٢٤. الذهبي، محمد بن أحمد. (د.ت.). ميزان الاعتدال في نقد الرجال. بيروت: دار المعرفة.
٢٥. السعدي، عبد الرحمن بن ناصر. (٢٠٠٠). تيسير الكريم الرحمن في تفسير كلام المنان. الرياض: مؤسسة الرسالة.
٢٦. الشعراوي، محمد متولي. (د.ت.). تفسير الشعراوي (الخواطر). القاهرة: أخبار اليوم.
٢٧. الشوكاني، محمد بن علي. (١٩٩٤). فتح القدير (ط ١). دمشق-بيروت: دار ابن كثير، دار الكلم الطيب.
٢٨. صديق حسن خان، محمد بن صديق. (د.ت.). فتح البيان في مقاصد القرآن. بيروت: المكتبة العصرية.
٢٩. الضياء المقدسي، محمد بن عبد الواحد. (د.ت.). الأحاديث المختارة. بيروت: مؤسسة الرسالة.
٣٠. الطبري، محمد بن جرير. (د.ت.). جامع البيان عن تأويل آي القرآن. مكة المكرمة: دار التربية والتراث.
٣١. طنطاوي، محمد سيد. (د.ت.). التفسير الوسيط للقرآن الكريم. القاهرة: دار نهضة مصر.
٣٢. الطيالسي، سليمان بن داود. (د.ت.). مسند أبي داود الطيالسي. القاهرة: دار هجر.
٣٣. عبد بن حميد، عبد الحميد بن حميد. (د.ت.). المسند. القاهرة: مكتبة السنة.
٣٤. القاسمي، محمد جمال الدين. (د.ت.). محاسن التأويل. بيروت: دار الكتب العلمية.
٣٥. القرطبي، محمد بن أحمد الأنصاري. (١٩٩٤). الجامع لأحكام القرآن (تحقيق: أحمد البردوني وإبراهيم أطفيش، ط ٢). القاهرة: دار الكتب المصرية.
٣٦. الكفوي، أيوب بن موسى. (١٩٩٨). الكليات: معجم في المصطلحات والفروق اللغوية (تحقيق: عدنان درويش ومحمد المصري). بيروت: مؤسسة الرسالة.

٣٧. مجمع اللغة العربية. (١٩٧٢). المعجم الوسيط (ط٢). القاهرة: دار الدعوة.
٣٨. المراغي، أحمد مصطفى. (١٩٤٦). تفسير المراغي. القاهرة: شركة مكتبة ومطبعة مصطفى البابي الحلبي.
٣٩. مسلم بن الحجاج. (د.ت.). صحيح مسلم. بيروت: دار إحياء التراث العربي.
٤٠. نخبة من أساتذة التفسير. (د.ت.). التفسير الميسر. الرياض: مجمع الملك فهد لطباعة المصحف الشريف.
٤١. النسائي، أحمد بن شعيب. (د.ت.). السنن الكبرى. بيروت: مؤسسة الرسالة.
٤٢. الهيثمي، نور الدين علي بن أبي بكر. (د.ت.). مجمع الزوائد ومنبع الفوائد. بيروت: دار الفكر.
٤٣. والي، طارق. (١٩٩٨). البيان والتبيان في العمارة والعمران. بيروت: دار الكتب العلمية.

عمارة الأرض في ضوء القرآن الكريم: تأصيل النظرية القرآنية الشاملة للعمارة وتطبيقاتها الحضارية

الملخص

يُعَدُّ العمران وعمارة الأرض من المفاهيم الأساسية في القرآن الكريم، ويرتبطان ارتباطاً وثيقاً برسالة الإنسان بوصفه خليفة الله في الأرض. وعلى الرغم من أهمية هذا المفهوم، فإن جانباً كبيراً من الدراسات المعاصرة تناوله ضمن موضوعات متفرقة، مثل التنمية الاقتصادية، وإحياء الأراضي، وحماية البيئة، أو بناء الحضارة، دون أن يقدم إطاراً نظرياً متكاملاً له. تهدف هذه الدراسة إلى بيان مفهوم عمارة الأرض في ضوء القرآن الكريم، واستخراج مكونات النظرية القرآنية للعمارة. وقد اعتمدت الدراسة المنهج الوصفي التحليلي، مستفيدة من الآيات القرآنية والأحاديث النبوية وآراء العلماء والمفكرين المسلمين، لتحليل أسس العمران ومبادئه وأبعاده وتطبيقاته. وتُظهر نتائج الدراسة أن العمران في القرآن الكريم مفهوم حضاري متعدد الأبعاد، يقوم على أسس التوحيد والاستخلاف والأمانة والتسخير، ويتحقق من خلال مبادئ العدل والإصلاح والعلم والعمل والاعتدال وتحمل المسؤولية. كما تبين النتائج أن العمران القرآني لا يقتصر على التنمية المادية فحسب، بل يشمل كذلك النمو الروحي، والعدالة الاجتماعية، وحماية البيئة، والتقدم الحضاري. وتخلص الدراسة إلى تقديم «النظرية القرآنية الشاملة للعمارة» و«نموذج التوازن العمراني القرآني»، مؤكدة أن التعاليم القرآنية تمتلك القدرة على تقديم نموذج متوازن للتنمية المستدامة وبناء الحضارة المعاصرة.

الكلمات المفتاحية: العمران، عمارة الأرض، القرآن الكريم، الاستخلاف الإنساني، الحضارة الإسلامية.